



PL  
278  
S58253  
1899  
SIRR1 Paga, Giritli  
Mektubat-1 SIRR1 Paga

---

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

---

PLEASE DO NOT REMOVE  
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

8a/265

2860



۱۴۱۹

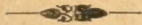
طبع اولیادینو ۷۸ نومبر ۱۹۰۰ء کو خاندانہ طور پر

استانبول

طبع اولیادینو

معارف نظارت خاندانہ طور پر ۹۱۹ نومبر ۱۹۰۰ء کو

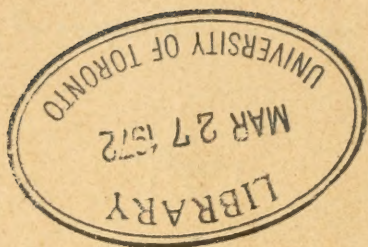
Mektûbât-ı Sirri Pasa



والی ولایت داری

Sirri Pasa, Girizli

کتابخانه



PL  
248  
S58753  
1899

ولایت خلیفه سی مظنه سند - طبع ایدیش اولدیندن  
شو اثر عالی لر لی ، ایلاک دفعه اولدی طریزون

خبر و صیبه و مواد ساد سینه حلقی مدهدی .

اوله شاه شاهان بر طایفه محرمات و مجازات بر سینه مکرمات

اصلاحات ماده و منهویه سینه هر بری بری بری امثال

مکتوب ناری ، عیاضه لر لی ؛ احصای و آیات شاهانه ای

لری ، دقیق حلا نظاره ای ، ادبانه و حکمتانه ای بعضی

مندر خانی ، مؤثر و مفید نظاره ای ، عمیق مطالعه

نافه لر لی خلیفه سند سدر .

فکر او ادا و انوار سراج از باب قلم و مهارت بو لانا ان خلیفه

بخش عالم ادبیات اولدین دو تلو سر ی اشیا تلر نیلی

مسائل جدیدی و قلم بدیع ندیدی ایله نام و شانی شعریت

محررات سینه ، مؤلفات ادبانه ای مجازات سینه ده

. مومخوبه بجزیت و حظ و طاعت خاکی از آنکه او مومخوبه شد.  
 اوله و قیام طبع و نشسته و اسطه و نالی اوله ششم باشد نه جبهه  
 حوض تارینای بو اثر بند تارینای بو که دهه . ششمی دفعه  
 اوله دهنده و نشسته اوله کلام آتار میانه شده مشار ادره  
 مستقیمه و متناظر اوله جمله های خیر از خیریه اشتباه اوله اوله  
 مکتوبات سری شاهانک مطالبه سندن هر کسای  
 . مومخوبه استفادیه وضع اوله شدی .  
 لری جمله . مکتوبات سری شاهانک . عنوانه طبع  
 اوله رینه ارسانه عنایت بتوت قدری ساری بعضی مسوده .  
 نیکو کلام آتار طبعی در عده اوله . نیکو کلام  
 اوله اوله آرزو کسی اوله تیم و قدر شریک اسانگی عینی اختیار  
 عاجز لری بو اوله آتار ناهنگامی نشسته و اسطه  
 . مامش ایدی .  
 . در سعادت و ولایات شاهانکه جبهه منافع جمع اوله .



• تا بچند طرز برآمده ابراهیم اولیاد

۱۲۹۰ هجری قمری ۲۶ رجب ۱۲۹۶ سنه اولی رجب ۱۲۸۰ [۰]

او اهل حق مطلقاً آسود بخت و یا قصور مبین است و در آن  
حق بر حق میندیشد و انسان را بخون برساند و موی با خنجر  
• و منصور در آن

بنام استیصال اندیش خنجران عدم موفقت اصلاً

• استیصال استیصال

بر روی برنج آینه و سنج و سنج استیصال در آن

آینه استیصال استیصال استیصال استیصال

خان الله موی با خنجر استیصال استیصال استیصال

• استیصال استیصال

اصلاً استیصال استیصال استیصال استیصال

بر چه هر سعادتی مدار منبردی شمردی قرابت اولاد آن تو

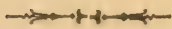
[\*] بطریق رسمی

— ❖ — مکتوبات سری شما ❖ —

• حتی آنچه باریک بینی است به آن است که در هر طرفی از آن است  
 • حکومت قویتری هر کسی بخون می زمان آید  
 • او یقیناً زمان می دهد  
 • انسانی بخون است و یقیناً او یقیناً  
 • بخون است که در هر طرفی از آن است  
 • حضور قانونی او یا اینکه ضعیف است  
 • نظر آنکه مساوی است  
 • جنس و مات تهریق است که از آن است که هر صنفی قانون  
 • چونکه از آن است که هر صنفی از آن است  
 • مساوی است که در هر طرفی از آن است  
 • هاله هاله و وطنی و اولاد او را در هر طرفی از آن است  
 • که عاقبت آن است که هر صنفی از آن است  
 • است که در هر طرفی از آن است  
 • همه آن است که هر صنفی از آن است  
 • بن امور و که در هر طرفی از آن است  
 • عدالت و رحمت است که هر صنفی از آن است  
 • اطلاع است که هر صنفی از آن است  
 • بر صواب است که هر صنفی از آن است  
 • عدالت و رحمت است که هر صنفی از آن است  
 • ولی نعمت است که هر صنفی از آن است

پناه حاجت اولاد بی او زوره بخینه آمال و مقاصد سنیه حضرت  
 و مناسبت اولادی .  
 و مستقیماً بتوفیق الله تعالی رؤیت و تمشیت امور مولودیه بنا  
 بفرموده عهده طاجری به توجیه بتورانه مسکن و لایحه موافقت  
 عواطف سنیه حضرت بادشاهین طبر برون و لایحه و التامی

### تجربیات مهمه



. آمین  
 جان جناب حق حنیف اگر می حرمیه موفقی باطنی و بیرون  
 خبری دعالی آلت بره جهمی امید ایلم .  
 ناهمه به موفقیه طرف اشرف حضرت بادشاهین اخوان جهان  
 بفرموده جهمی و ان شاء الله تعالی دولت و عاقله عاقله جوق آفر  
 ارفدانی و وطنشان را عاقله جهمی بفرموده کنیزه متوجه  
 اول و اولی .  
 و مقبول و خلاقی حرمیه بفرموده بفرموده بفرموده  
 حکم شرح و قانونه متانیت ایلم ، جهمی بفرموده بفرموده  
 بفرموده بفرموده .

عند بادشاهین و حد ذاتیه شرح و قانونه بفرموده بفرموده





قیات بجماعت و کثرت مشاغل ایله برابر بوغند عاجزی دهی  
استفاده اولور اتمیدندتم.  
ذاتل اولوق حسنه مذاکره و واقعه آراء صائره نذرین نجی  
انکار ایتلری خجی و حقیقه آرزو ایدر معارفه و حقیقت  
موسی الهمک خلیفای انبای اولماق  
ذواتک اسامتی متین یوله انا زمت و اسریب قلدی.

بالتسبب اعجازتی ایخون شمذک طوط کلوب انجانب اندلان  
کماله نذرین اولور بر معارفه و مستویتک بشکل بزده جزیه  
مظهر انجانب و انظام جدید اولدی ایخون بوکده تحت ریاست  
ایله مکاتب رسیده و عمومیتک سایه معارفه حضرت بادشاه  
کرک تداوم واقعه سنن و لایتین خلیفک معوما مستقیم و بوسله  
کماله نذرین ایخون ایخون ایخون ایخون ایخون ایخون ایخون  
قالق شقی قیادت اولورق عنت و فی نوزده سنه بنده عله ذات  
ایک برسد بصره و خود شمسی منبره دایر دلیل ابراهیم  
حضور صوفان موفور نذرین معارف معارفه نذرین معارفه نذرین

[۰] [صورتی] ید کرد

و اشرفاين بعضى ذواته باز نهدند .

[۰] في [۰] ۲۷ سطر ۹۷ تاريخته قسطوبنده نامورين

۰ ايقاچه خاشمشه ياصمعه اندرك بر انجمن مكارف اشكافيشه ياستين ايله .

۰ ارباب دانتي و مصفايي جمع ايله انمزدن كله سته خلك خدعي خدا

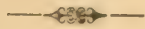
۰ ايسته و لايجن ارگنيندن بويقه برفه شرفه آتالت آرزو سنده اولان

۰ واسطه حصول اولاي انسان انجون به بيوك شرف واقف خردور .

۰ فاكده سي اسردين و دنيايه علم و شام اولان بر سادات سرمديه لك

۰ اولان وطنك تعلم و تربيه سي تهليل و تهتم كني بيع

### يدكي صورتيني [۰]



۰ و اراده اقتدارم حصص تالي بنكندور .

۰ خيرو آتارك وجوده كتير استينه موقفي بيور سون آمين . باقي اس

۰ جناب حق ابناء وطنك دين و دنيا لاي مهور معمور اندر خلك

۰ و توقفات الهيه استناد استانه انشاء بتور ملري سوردور .

۰ مخصوص عاجزانه امه اشبو ناموريت خيرو لاي تيني تلبينه همت

۰ جان ذوات موسى الهوي تيز طائل سنده دعوت و سلام

۰ و متشكر اولوردم .

۰ بو شرفاي قوم سونونك اعضائندن عد بيور سون كدر حقيقه مقبوض

التوم دوام ایند معارف قومیستونی اعضاسنه یا از امداد.

تنگن اولونون [۰] ۳۰ سرت سنه ۹۷ تاریخده طریزنده خنده

تنگن اولونون خاسی مذکور برمدت کتک حکومت دات کسینه کی کتک  
سنه سنی و لایتیه بر خاسی تنگن اولونون  
مذکورده برقی معارف اسبابک استیصاله خن

### تدکیر صوری [۰]



شمدیدن امیدوار اوله سینه اولونون

مظاہریتیه مساعی مصر و قه مریک خبری طویلا تیه خکمه  
انگخون بزده جناب حکمت یوقیات و استیالات الیه سنه

حسن موقیقته تیتیه بدتر اولور

مقدامی خلوص تیتیه باشه لایان منی نمونه تمالی دایما

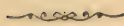
توتوملری ریا اولور

سنه سنی خاسی اداره و لایتیه مخصوص اطراف تشریف  
اوزره تینه تمالی اولونون کتک خکمه کتک حکومت دات

انجمنه رسم ایتیمه ریتیه ایجاب و اوقیات و احتیاجی تیتیه ایجاب  
اولان انکار ممنوره ایجاب وجودی قومیستونه شرف و مکرمان

نواجینده ذات حیثیتله کی احتیاجات عصر و زمانه واقف





واقفانه بر وقت برخالده به ابتدا فائده ای باقی نماند و از او اعلام کردند.  
اعضای آنجی خدمت فخریه سی لفظاً قبول و در وقت قبولی امین  
گرمی بر خالده آراء صادر کردند استیفاء از و بسته مجلس مذکور  
تشیخ مطابق اصولی که در گذشته از آن استیفاء از و بسته مجلس مذکور  
حصول یافته خدمت اخذ چنانچه بر مجلس معارف هیئت  
ریاست عاید شده اوله فوق و مقصد مقدّمات استیفاء از و بسته مجلس  
و از جهت آنست که فخریه سی لفظاً قبولی امین  
به اخذ از فوق آمده است و بطاعت و ذرات موافق آمده است  
درجی از انرا به بوجهه معطوف و معطوف و معطوف و معطوف و معطوف  
با تهنیت آنجی که در آن زمان و آنجا و آنجا و آنجا و آنجا  
و علوم فخریه سی لفظاً قبولی امین اوله فوق و مقصد مقدّمات  
مخبران حال ملک و ملک اصل او استیفاء از او استیفاء از او

وجود و عدای مساوی بر طالع استیفاء از او استیفاء از او  
اولی قدر دوام و اتمام کوستند استیفاء از او استیفاء از او  
صکری لری هی اصلاً استیفاء از او استیفاء از او  
معارف حصول یافته مساوی استیفاء از او استیفاء از او  
طریق اتنا و به اعضای مجلس خالده جاننده استیفاء از او استیفاء از او

• که سوسه‌بندی طرز و نحوه بعضی ذراته بازمانده است.

• اصول اولیه خردمند.

• انشاء الله یقیناً بر کون کارخانه که صورتات خردمند  
• یونان باستان بر اقلان.

• و در آنچه اندر الامثال اولاد و وطنکری و صاف زبانی  
• آمدی امین اولاد و سرباز و کوزل و وطنکری و عقل

• رب العالمین بتو مرستی که و احسب الا انسان ان یترک سدی ه.  
• خوشه که قرآن که آمده بر کلام معجزه اثر و اردو؛ جناب  
• جل اقدس است.

• یونان و وطنکری که خردمند از یاد کنده بدخترانه  
• بتختی که سوسه‌بندی.

• تصادف اندرک صورتات و تشبیهات خالصه و غیره و اجزا و کلام  
• حق هم بن، همه مهارتی سوسه‌بندی طرز قدرتی و انواع مواضع  
• ناهنگامی تر و قیاسی خدمت آمده که هر چه که خدمت آید  
• یونان ملت اسلامیه که احاطه باطن و اجزای اولاد و مهارت  
• که درین تخمین است که برای برابری که درین است که آید.

• مشرک تا آنکه اقامه عالیلهای قلمی و حسابات معانی و باطنی

[۰] خردمند

بقى عيرت باقى ايلرم

قالبه بريستان اجوان ديتيري بر آن اول اولدورمسي تيني واستدا  
اگريستان ايلديني زيبانده حلا گرا ايجوان غيلدين بايني  
مهاله شتاب و بو منبره واسطه منجه ايله سماعت دارجي  
آراسي حقي قياي گوزلري تيله آخوب هي كسك ادراك  
بي موفقي بتورمسي و ابوان مرفت و مدنيك اترقات جهان  
ولا حوال اولان الله ذوالخلاق ديك جبري ايشله اولسون  
اولدورم دئي كندري بخت و طالعده كورسك حرك اولون  
انگشون بنده تصور اتاري فله خيمار منه برده كسي حيلوت

آني بيشه سي بيك خايشه اگريستانه موفقي اولدورم .  
اما نه خارده ا خراب حق هي قولده بره طهرت و بره شدره  
ايشه بنم ايجون خاي اسف ايجي آخوب بوز ايلدورم .  
عند حاجز قورانه يوه خيدر .  
لكن قورقارم او مشرفي افنا خواجه ني ايشه ايلدورم اولون بو

دی الحجه سنه ۱۳۰۱ و فی ۲۸ اول سنه ۱۳۰۰

طریزون مکتب اعداد مستطینات براد اولیاد فی ۱۸۸۹

قدر قوی ده اولیاد - جس و جانان کھی ستم سنو رور .

نکریز که آره هیچ برشی سدراه اولیاد اولیاد سنو کلانه طابع  
مدیت و معرفت دیلان عطا بقای قدرت دخی ستم جنر و شان

• جتاری کوزل سیمی قاشد بر روت طور توتور .

ایشته بو کون اولیاد بر حقیقت و امیت ، و کونیک اولیاد

• زمان اولیاد رورده براندان و رورده اولیاد .

• موقت برده برکنی اولیاد : اما کلنی اولیاد ایله سیم ایدمه .

• بلو طایف کونیک حقیقت اولیاد اولیاد اولیاد حقیقت ده

• حقیقت ده اولیاد .

• انجلا اولیاد .

• اولیاد کلنی اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو

• اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو

• اولیاد سنو اولیاد سنو

• اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو

• اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو اولیاد سنو

• اولیاد سنو

[۱۰] بطریق

اوقات محققیت نامی بزرگ دولت عاقلان تاریخ است

اولیون

اول وقت شوایسوزو ملک عین حقیقت اولیون

تورسون

حاضر حاضر باقیات بقیات است

عاطف اولسون

طوبی

دستی شمشیر و غیره مشابه بر سر

تاریخات بزرگ در راه مقصد

اولیون حاضر بقیات است

عاطف اولسون

عاطف اولسون

دستی شمشیر و غیره مشابه بر سر

تاریخات بزرگ در راه مقصد

عاطف اولسون

عاطف اولسون

تاریخات بزرگ در راه مقصد

عاطف اولسون

دستی شمشیر و غیره مشابه بر سر

تاریخات بزرگ در راه مقصد









آرقه نیدن اقر دی سوله سکه حاجت او توبت مدعی و مخبر کفر است  
 او مقوله محض لای ترتیبی تکلیفیه ، و بر طایفه مجتهدان اخصار له برده  
 بنام جاتی ترتیبی است که آلت شد بر آن و فساد اجزایه باره می اولان  
 مصاحبه راجع به اجتناب از عموماً مضمون و کلامه اندک و اندک  
 سائیه عدالت و تواتر به حجت باشد مشاهده بلا واسطه اصحاب دعوت است  
 ایله محافظه حقوق عامه می آن حاضر و آماده و با حجب و حجب  
 حکومت سینه می کساک می یاد داد و با حجب و حجب استماع  
 بویستالو و روزه لای نظر حکومتی اعتبار و اعتبار و اعتباری بویستالو  
 حکومت و احکامات عدالتی که اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای  
 سینه چه بداهت در خدمت معلوم و ثابت است و اولیای اولیای اولیای  
 درک و تفریق استیضاح علی الامتیا مهر الکریمه اولیای اولیای اولیای  
 هیچ بر ضروری اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای  
 درجه نبویه ایصال ایصال ایصال ایصال ایصال ایصال ایصال  
 بالکلیه و شویله بویله در و دستاره مواد مصلحتیه به استیضاح تحقیق  
 بتولدر سوله بر آدم حقیقتش اونی وحی استیضاح بشیون کشیدک  
 ایستمی اوزرینه او شیوه دل دخی حقیقت حالی بتامینه رک و منجلی می  
 ضمیمه بر ضرور و فساد اولان بشیون بر مصاحبه دارا بدو ایستمی  
 و کتبی دخی اوقوعی بایز مبدن فی بره اولان ساده دلان اهلانی  
 طایفه رقی استیضاح ایستماع ایستماع ایستماع ایستماع ایستماع  
 اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای



حکلم و تائیدی اوله منی .

اولاد خجی اولاد خجی آتک زده قدره قدره  
وقطاً مسجوع و ملتفت اولاد ب اولاد ب اولاد ب  
ایسه اسمی تصحیح ایتیک و قوعو اولاد خجی اولاد خجی  
اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب  
حقی اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب

خجی برات برات خجی برات خجی .

دایه فی ۲۸ نسان و فی ۵ مانی ۹۵ تاریخو اتی قطه  
اعالی خجی برات اولاد ب اولاد ب اولاد ب اولاد ب  
باش اولاد ب خجی برات خجی برات خجی برات خجی  
لرضی بعضی طرفین علم کرده خجی برات خجی برات خجی

### اردو قاتمه ماله منی خجی برات



۹۵ سنه ۷ مانی فی

ابتدای قاتمه منی .

حال اولاد منی اولاد ب خجی برات خجی برات خجی برات  
مستحقه اولاد ب خجی برات خجی برات خجی برات خجی برات  
و منی برات خجی برات خجی برات خجی برات خجی برات



۹۵ مائیس سنه ۱۳ فی

قائیدی .

اولو سرکسز ، کوبندورنگیز اوراق عدم لزومینه منجی لقا اعاده  
کوره حرکت ایتدی . کز هر صورتله امین استیج و مستیج  
ایشته بوراسی همیشه پیش نظر اعتبار و اعتیاده طوبیله رقی

وقوع بولان حسن تعهدتدک قائده سی اوله ایتدیور .

حالی وی لایحه مثبت و معلوم اولله اهل طرفین بیلور بیلور  
اولان شکتیک آتله ضروری ، بده تکالیفی و سالیانه سوه  
و نظیفه سی حسن ایضا ایندین مامورلر حقیقه فیضین منجیت  
اولورکه بوده دایما و لایست پیش نظر تدقیقه اولور بیلور  
و مقدمات و مستیج و مستیجی دخی آتله کله حریزه حاصل  
الری سی مصلحه عالییه مطابق صورتده این ایضا بده وقت و مسامحت  
مامورین دوزک عدم حیت و مقبولتی آنجی وظایف مویک

طوبیلا قدرلی اوراق ک دخی اصلا و قیفا قائده سی بوقدر .

مامورلر کتدی حقیقه حسن تعهدتی عالی اهل این  
کله ایضا وظایفه تکالیفی و لایحه معلوم اولان

طریقاً کتبه شده است و او را در آنجا

۳۰۰ تا ۳۰۱ میلادی و ۳۰۱ تا ۳۰۲ هجری [۸]

کتابی است که در آنجا نوشته شده است و در آنجا

نام او را نوشته اند

و این کتاب را در آنجا نوشته اند

طریقاً کتبه شده است و او را در آنجا

۳۰۰ تا ۳۰۱ میلادی و ۳۰۱ تا ۳۰۲ هجری

کتابی است که در آنجا نوشته شده است و در آنجا

نام او را نوشته اند

و این کتاب را در آنجا نوشته اند

طریقاً کتبه شده است و او را در آنجا

۳۰۰ تا ۳۰۱ میلادی و ۳۰۱ تا ۳۰۲ هجری

کتابی است که در آنجا نوشته شده است و در آنجا

نام او را نوشته اند

و این کتاب را در آنجا نوشته اند

طریقاً کتبه شده است و او را در آنجا

۳۰۰ تا ۳۰۱ میلادی و ۳۰۱ تا ۳۰۲ هجری

کتابی است که در آنجا

[۸] بطریقاً



[۱۶] بیان سنه ۹۷۷ یربخله ایراد اولمشدر .

اعضای طایفه صرصره - خاندان ادراسی - خاندان بولسیندن دولت  
قوانین و نظامات دولت و مقاضیات زمانیه و واقف اوزار -  
مقصود اصلی اولان قائده خدیله فوت اولور .  
خونگه مقفی، متشریح و متقیقه - اوزار - خدمت اقدادان  
شرطدر .

مقدمه قوانین و نظامات دولت و مقاضیات زمانیه و واقف بولسینی  
اولان بر حاکمه مقفی اوله جلی ذالک هم متشریح و متقیقه اولسینی  
مملوکیزدن هر برده و ناخوش بویله سکن اولان  
بر مقفی آتینی لازم کلدی .

حق رحمت اناسون، قائق اقدادینک و قالی اوزارینه طریزونه  
سینب اجنایمیزی سوره آکلایم :  
اقدادینل !

[ ] بطریق



بیورکوزن ا یولون آخچقدور .  
حضر تکریمه ده اندرم .  
بختیار عد اندرک ولی نعمت بیتمیز، شوکتلو اوشدهن اقدادین

تستيب اذراك اعضاءى موسى النبي صلى الله عليه وآله في الايمان المتين  
وحاصل موجوده اعضاءى مسلمة سنالك افكاره و آراءه من اجزي  
اول وقت خرد ايتي دعافه به دو مشورتمك يا اخوان اجنابك خالص  
التيك باجتناب استغناء و تقديم نظام و تقديم اراده توترواى  
ايهاك بولك او زيرتو خواجه الالهيتمك تلين انشاؤده اقلدهى موسى  
مقتضاى اهل دره دريهك يا افاض مقام خاتم مشيخت عالى به صحت  
مدرستين حامي زاده محمد اقلدهى خاطر من كرهى عاوم بوزان  
بر مشهوريت دايمه بوزان بقى او زبده مناسب بزبان آراءى كه  
و بنا عده هم صفات مطلوبه حقى حاضر اوليقى حمله بويه  
گندولدى خالصى برك الله الله درسه كتمه خنور اولوردى .  
انجاس ادارده برصاحبت مهمهك منكرى حتمى بولمستين  
ادارهه بولدمهزل . حتمى فائيق اقلدهى سى حوم ستمه خوق دفعه  
دمشهوريتلى زياه اولنل اسه بويه صورت دايمه خالص  
حاضر بولنوب آراى صائله ندين استاده ايداك ايداك مهم وان مدر  
اك ايدل و كور اعضاءى طيعيه سندين نله بومه حال م احتياجه  
اكثر سى درس اياله مشهور اولورل . معنى اقلدهى ايسه خالص اداردهك  
اقلدهى حضرتى ايله براكه دو مشورتك ديدنك و عاملى كراى  
بوتل دن مناسبتى بحتج ايتاك اقتضا ايد بولده بنده حكم  
قط بولك همى بدن رفتى اوله من با . . . .  
خد اولسون طرف بولنوب و صفتلى حاضر خواجه عاوم وارده  
انكخون معنى اقلدهى خالص اقلدهى اولوق اقلدهى كومر .







اقیدی، علمای سالاردهن ایلی و اجداد و دو بیتله اقدیری  
مقی اقدیری مسوول اولان ایکی مقی مکن مکن اتری ایق  
بو ایکی صیصالة مقیری اولان اولان اولان

• انا افسانه بو تارة در خورنده اولان اولان اولان اولان اولان  
وسان ذوات معارفه دن معنی علمای مقیر و افسانه اولان  
مقیری و مدبریندن در ویش اقدیری مقیر اقدیری اقدیری اقدیری  
طریق اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان

• بقیه ایتمیتم افسانه اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
ان اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
در سادده اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
در سادده اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
ان ای صیصاله اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
علمای و افسانه طریق اولان اولان اولان اولان اولان  
كلور اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
بو اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان

• انا اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
اقیدی، اقدیری اولان اولان اولان اولان اولان  
قارمیش اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان  
امی ایچانه بر گونه صیص و فساده اولان اولان اولان  
مقیری، اولان اولان اولان اولان اولان اولان اولان



• بوده بر رأی مدر

• و جوخت آزردن آنها در قبالان و قبالان دهه خاضعیت را در سر

• حاجت بوقصد بود و در آن وادیه بوده بر رأی مدر

• و خاتوبه مدرسه حقیقه ای استیجایی را پذیرفته اند

• اکثریت آرا به طرف اولاد ایجابی آکلان را

• بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

• و بازنوب باقره صمدی در خیزد استیجایی استیجایی استیجایی استیجایی

بنام جوش بونیک رونق صحیح بفرمایید غرض از اینجاست  
بهال کلی اوستادین مصطفی بنیتان جهت ایستادگی

[۱] مکتوب

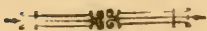
اجزای کتاب

• جزییه قریبین حسن ختام اول آورده  
• مضامین و تفصیلات و در حال و حال هر صحنه  
• چگونه میسر شود مقاصد  
• چه کار کرد و در وقت مسامحه کردن  
• آنچه آتی می باشد را رخ آید  
• رانی و فکری به انچه حاضران در در وقت  
• او شنیدن آتی شفاها میسر شود  
• آرزو آید میسر شود  
• مقابله کرده گوی که  
• عین صراحتی بود که  
• استقامت جهت بود  
• اخلاص و در وقت با هر که  
• اخلاص رود و قبول دارد هر که



در عشق برده طلعت، حجاب اولاد  
 از زبان ای صاحب نایاب، ای صاحب نایاب  
 بتلقین ساقی، ای ساقی، ای ساقی  
 زده لاله را بر این سرای، بر این سرای  
 غنچه و صابون، غنچه و صابون  
 مجربه بر کوه کوهی، مجربه بر کوه کوهی  
 بر شیشه ای، بر شیشه ای  
 آستان آستان

جنگ



۱۲۹۸ تاریخ ۱۰ قی

در عشق و محبت، در عشق و محبت  
 ای ساقی، ای ساقی، ای ساقی  
 ای ساقی، ای ساقی، ای ساقی  
 ای ساقی، ای ساقی، ای ساقی  
 ای ساقی، ای ساقی، ای ساقی

دوازده - و پنج - و سه - و دو - و یک -

در عشق و محبت، در عشق و محبت



سر سناك چشمه چشمان جزوستان گوریتور  
 وجود و خرد اولسه طوقا زده اقامه وجود  
 شمه بو سی او اوده کتلی سوسو جان گوریتور  
 نه قدر حق وجود ایتسه ده پروانه بینه  
 رخی نازکی حال برینان گوریتور  
 بینه دوان قره سودا بیهی او صی ایلدی دی  
 که چه ظاهرده این املی در افتان گوریتور  
 سناك حلقه قدر ایتسه ده قلب سنی  
 ریزه سنی گوریتور امل بند چشمان گوریتور  
 ذره حال رخی در چشمان گوریتور

### جمل



بیخاره شاهناك ایتی آه وواه اولور  
 ناله او ناله سنی ایتسه اولور

۱۸۸۱

سری زلف حور عین تار رباب اولور  
 بنای اولور مطرب دره مولای روی

[۰] اسبق طریزون صکر بمصر فی اولایان مساعدتو انیس اندی بیته

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

### [۰] مکتوب



سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

سزوی کوی کلدن چیخار سینه سینه دوات و نیتا بندن خدین اولوسون.

۱۲۹۵ قی ۲۵ یون آبی

• قایم‌کاری اجنبی با آب ریب انالدر .  
 • خست‌خوی آب قیادن عین بحال در باقی بقای یوخه و خست  
 • سرانده و سرانده . بودت عودی آرزوی بوده بخاره ؟ اما  
 • صفاره شمسی بتهتر اندستورم .  
 • وقتله برزبسته (برزبینه) الله او خدایتی هر الیه سوورنگر  
 • بندگی کرده . کتابت زمانه آراجه ای . . . . .  
 • متاع کتاب ساله هزار ساله بده بانی اعتراف ؟  
 • یورده علی التوالی در .  
 • آکرچه نایز وال در لکن آوزر سره انسه و اندوهک  
 • نایز او زوره برک و ار  
 • کتم کله ساهک خجسه بریمی بو نایز ؟  
 • و عرووری ستم انسان ما اعطاه التیاه ایتدی .  
 • مکتوب مسخرینده الی و عد ملامت . دل مخرجور  
 • برید خجاکگر کوزمندن ایتد و سالک کوزمندن خجمن .  
 • بیه نشقه منادر .  
 • کچه مشاعل و لایه طایفه سادرا اما ساسلات اجلا



کندی کنی بز آفتاب مهیوی به در بو ؟  
 او بر می آید آهسته آهسته او بر می  
 صغری تا عکس آب گل بو به در بو ؟  
 آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته  
 با حرف غزیده غیب بو به در بو ؟  
 آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته  
 ای غمزه هلاک کنی شنبو به در بو ؟  
 دوزخ دوزخ دوزخ دوزخ دوزخ دوزخ  
 طوبی تا جود قامت موز بو به در بو ؟  
 حور و بلبل رقصه کتیر آزل خرامک  
 افسانه سویله منگی افسانه بو به در بو ؟  
 تهنیت ایدر علوی خانی خانی خانی  
 فواره بز جت بو به در بو ؟  
 طوبی آقر اغلاز غم آله دیده دلم  
 زنجیره اورده کوکلی بو به در بو ؟  
 سودا زده زلفک اتمی ای صافی لاله

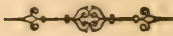
عزل

۵۰. [مکتوبات سرتی شایسته حضرت مولانا محمد علی قزوینی علیه السلام]

۱. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته

۲. خاندان مولانا محمد علی قزوینی علیه السلام  
۳. لجنه ۵۰ نفری

### [مکتوبات]



۵۰. [مکتوبات سرتی شایسته حضرت مولانا محمد علی قزوینی علیه السلام]  
۱. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته

۵۰ کتب تالیفی

- ۱. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۲. خاندان مولانا محمد علی قزوینی علیه السلام
- ۳. لجنه ۵۰ نفری
- ۴. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۵. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۶. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۷. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۸. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۹. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته
- ۱۰. لجنه ۵۰ نفری برای تدوین و تصحیح مکتوبات سرتی شایسته

کتابخانه مطالعہ اسلامیہ  
مطالعہ اسلامیہ

عزل



۵۵ جون ۱۹۳۱ء

باقی اجوت و حجت

• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔

• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔  
• منیہ میں مقیم رہنے والے ہوں۔

در بینه روی مینامد با سادات مجتهدین  
که در آینه آینه در آینه در آینه

۱۳۹۵ خورشیدی

بوی ماه اسفند و اسفند در اسفند  
خوبی که در اسفند اسفند اسفند  
او صاف است اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند  
اسفند اسفند اسفند اسفند اسفند



ذاتی کرد که یوز آبجی بوقیسه به ایلمسک  
اورا از ساهی ازل شسته اب ایله

سوزلشی شاهان عمره قنایی کوردی  
وارا ایلمسک اولی اولی اولی اولی

۱۲۸۵

جون ناحق عمره سندن بنامات داملاسون  
سری دمدر یاره ییل ماجر ای ایت سرتین سرتی  
آشتین رجساردن جوی تراکت داملاسون  
تاب میتله کله کرم ایت ساقی خجهره قی  
خشمه سار خجهره نایستینه شربت داملاسون  
نسته لعل شکر بارنده در آب حیات  
رجلندن آن یوز صاحت داملاسون  
واریتدردن عاده بر میتراره خانلم کفی  
می سوزلکن دینم عهد لطافت داملاسون  
او اب خانلی آفرین کردن عدوت داملاسون

عزل

تعمیری و خدیجه سی ماهی اقتضای بی باطنی است.

[\*] منظومه تالیفات رشادیه در حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و محسود اولور .

اینه اقتضای بی باطنی است که در اول اولی الاضارده التمهینه منبوط  
 از حدیثی است که در آن آمده است که در روز قیامت هر کس که در دنیا  
 قیسی نظری بخاک آید آن آیه از او خوانده شود و او را با آن آیه  
 دعا تا بقیامت بخواند و او را در آن روز خواهد خوانند .

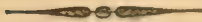
منتهی متعاقب الورد و لطف خطاب می باشد که در این منظومه  
 در حدیثی است که در آن آمده است که در روز قیامت هر کس که در دنیا  
 قیسی نظری بخاک آید آن آیه از او خوانده شود و او را با آن آیه  
 دعا تا بقیامت بخواند و او را در آن روز خواهد خوانند .

اینه اقتضای بی باطنی است که در اول اولی الاضارده التمهینه منبوط  
 از حدیثی است که در آن آمده است که در روز قیامت هر کس که در دنیا  
 قیسی نظری بخاک آید آن آیه از او خوانده شود و او را با آن آیه  
 دعا تا بقیامت بخواند و او را در آن روز خواهد خوانند .

### [\*] مکتوبات

خانسان خانسان آت خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان

چیل



۷۶ جزیران ۲۴

خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان  
 خانسان خانسان خانسان خانسان خانسان

بود شب و صبح تا آنکه بر سرور در کویا  
 قدم بود صومعه زینور اندود خجاله  
 ظلام و حشت اندر و حشت و خور در کویا  
 ز کل شب روز روشن سنبل ای معیاره چشمه  
 کل رنگینه قانو فرود سمور در کویا  
 دکاور موی کتسو سرتان رجنار آل او زوره  
 اگر چه صورت ظاهره آید در دور در کویا  
 بخند خجاله کویا سر مست حیرت  
 بخوابن از غلبه نور نور در کویا  
 رخ زینای بر تانک خشم نور در کویا

جنال

۱۲۸۰

منظوم زبان اول و سر ای سری ای صبح  
 انبیا ترجمه اول بنو حال بر ملا

۱۲۸۱

سن دیده جور شده بیتله خبره سانسک  
 مکنی که سری ده اوله رویه طاقت

حضرت سید بن طاووس علیه السلام

دری قدری استیاضی مبنی علیه مدینه طبرستان [سه و پنجاه]

حقی بر صاحبی معجز بنامه صورتی است: اما بنامه استیاضی است

لکن و او همواره در آن استیاضی در دریا استیاضی است

صافه بر قطره مدانه استیاضی دریا.

بر روح و مضامین، گویا و مطروف در روح اولاد استیاضی و مضامین

گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین

گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین

گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین

[مکتوب]

زیرا بتو آید او، شهرت به لایم  
دلی بنامه استیاضی عالم

۱۲۸۴

صافه بر قطره مدانه استیاضی دریا  
گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین  
گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین  
گویا و مضامین، گویا و مضامین، گویا و مضامین

۰. اسحق بن قتیبه کندی شریف قرطبی است و در کتاب خود  
مذکور است که او غلامی از اجداد خود است که در زمان او

گفته

۲۹ ايلول ۹۵

مکاتیب الکبری و مکاتیب الکبری

قدیمی است که در زمان او در بغداد نوشته شده است و در آن  
مذکور است که او در زمان او در بغداد نوشته شده است

گفته

۰. عارف و قاضی است.  
اولاد شریف صوفی است که در زمان او در بغداد نوشته شده است  
الحاصل زبان فارسی، و در آنجا که در زمان او در بغداد نوشته شده است  
عقل و شهود است.

زیرا بنظر او اولاد شریف صوفی است که در زمان او در بغداد نوشته شده است

۰. استیلا است.  
عظمت شایان بر مدت کنونی همیشه برایت و حیرت  
پیرانجی است که در زمان او در بغداد نوشته شده است  
زبان فارسی، و در آنجا که در زمان او در بغداد نوشته شده است  
به در مطالب در آنجا که در زمان او در بغداد نوشته شده است

مذکور است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب

۱۳۸۱

که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب

عجل

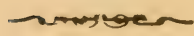
موردی است که در این کتاب  
موردی است که در این کتاب

موردی است که در این کتاب

۱۵

دوزخ جاگه دري اکسیر احمد در بخا  
 کی دراهن یوتای چشم خان ایسمه بوله  
 زایلی چنین، عالی اجیر، رومی جاور در بخا  
 مشیری اولدم تبه بر آفتاب تازه کتم  
 صانکه سات دلم تیر مصور در بخا  
 بزیری تنگی اولور می دهمه آنده جلوه کی  
 صیش و فیش و لاکنان خله مستخدم در بخا  
 عالم بالاده سیر ایلر سوشی فکرتیم  
 کیمه الاملا خورد و خورده دلم در بخا  
 دیرو مستخدم انگیزی اندمه تکاملدر بخا  
 بانک مستان نمره الله اکبر در بخا  
 طاق ایزوی بنان حجاب و میندر بخا

عینک



۱۲۸۵

تانیده مهر و ماهی و ناره انگیزدن  
 یانسون الهمی خان تالی و تالی اظلامدن



۰ [۰] انوار ذرا خیریتہ پازاندن.

ایمانہ پلیم ۵ دیکھ کہ معذورم ۰ اولہ ایسہ شہہ یوق کہ معذورم  
تاریات ۵ آنکھوں بون بونہ حدانساناہ برحمتہ یتاہرک اصل خرات  
قوانسہ خجوعہ تک رواق ادیبھی قیرمقدن ۰ بوزمقدن بشقہ بوقہ  
سبب حالتہ جی حاجی اولسہ کی گدرو ۰ آثار پریشاندن ہائیکھی  
۰ بقیہ بتورہ جھنگر خجوعہ منشا آتہہ برتو بہ ادیبات ۰

۰ بکریہ لب جنان اختیار اولہ تم.

قیمت یوق کہ جی کھنجا متیار اندن بون لکڑیہ قاریہ ایضای  
حقیقہ ۰ ازان بتوریلان مانی توخہ وختک اصعبی بسیندہ  
اولورو ۰ انوار ذرا خیریتہ پازاندن ۰

۰ مکتوب نگین کہ اولوب تناسی پندینہ کالہ وہ جہت ان  
ادب مانی آوین اقدس

### [۰] مکتوب

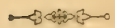


۱۲۸۱

۰ جنس ہمدم داتا توفیق رہنورد بکا  
سری تہ عشق حقدہ صافہ س کی دان جی

ساقی خوق ارلری سن استر زین ایلک  
 دخت رزک آتیه ای اویر یتر سگمد  
 آلدن یی روتکه خطکی جوشن ایلک  
 یتر نکه عاتقی ایله زخمدان اولور  
 سن عالیا بو کون سفن کاشن ایلک  
 رشک رختکه لاله لک نوری خون ایدی  
 بریدن تاملک شی روتن ایلک  
 ویرانه کورکی بطلکه سن ایلک

عزل



فی ۲۴ تشرین اول سنه ۳۰۰

اخر اولدی، کوزل مؤخرینده دانا همدیسی ایلم، باقی اجوت.  
 آتار ادینه کبرک کی خکدن مقونی اولدایم ایچون او کوزل کوزل  
 ایستدند کوزده خرد شو طسی طسی ساقه سینه دره هتایسی  
 بنه عایله آتی سومه کوس طسی طسی دخی کوزدر.  
 هتدرینه ده عاجزیم، شو قدره می کوزلک کوزلک سحره  
 بند کوز عالم مظهراتی جدا شرفه مدیرن آتار عالی ادینه کبری  
 اقدیرن! قدر ادایی بیه ادیب اولدایم بیلنر. بنه عایله



---

۲۸ خرداد ۹۷

بواسطه روحی آرزوی خانه یقین  
تجدید حاصله گویند و سوره سوره سوره سوره  
صافه بنموده اولی در شماره یقین  
ایم اظهار بفرمایند فی الله  
گویند و مادر خردگوار انسان یقین  
صورتی اوزره خداوندی است  
سخن دلگشایی فرموده یقین  
آیت نور او نور مصحف رخسار بند

جناب

---

۱۳۹۹

امین و روحی خداوندی اولی در شماره یقین  
اندیشه عالم مبتدیان سوره سوره



جوان ایتسون ؟

آندری روزا که بر بعضی بیسانی انجوان انسان انجری ده  
برده دوشو بگویند که عالم فایده نر، کتسه ته مال او مان .

کفی سویتورون .

او شاه حکمتیه که عموم نینه سی نلا استیا اولادی

• تا مین و تسهیل آید جهک مساعداک سنه لری در بیج توتور توتور .

قدیر تلو شاه شاهین بواستمداد خدا دادن تا مینه استیا کوزی

ضایع ایتاک قدر بر خسران عظم تصور اوانه من .

فانی قدر تک ملکه مزه خاق مزه بخشی آید تی استمداد تریقی

• فرصت بلوط کفی در ده اصلاحه اری یوقدر . هنر آتی فایده مایه قدر .

آندری . قدر بر آندری که سزده سزده آید تلو بولسون . زبرا

وقت بر آنتی . ولایتک اهمیت اول استمداد طبعی قدر

آندری !

• طوفانی سویتانی سور .

سز بر اوله ام . زبرا شو کتو شاه شاهین داتا طوفانی کدی

اوله ایسه هیچ بر وقت طوفانی قدرن آیرامی بزی داتا

ایسه استیا من .

• استری ؟

حب عالی ایله خجول اولان انسان بهمنک ذیل اولدینی

ایشته کوزو سزور کوزی که جناب ایله طوفانی سز بر آندری

آندری !

عواطف خواهانها در حضرت شادمانه طربزون و لایحی

تالو افغانه

• روحیات بنویسد این امید و اشتیاق ایلم •  
اندیشه خدای خدای حسیه موقیته الطایف استخاشه و مددوری  
بواخلاق، نایباً شادمانه کرم الخصال خواهان راضی و جنبه  
حسرت و محنتی آریه جوی و مهارت جیم جواها که اوله اوله الله  
مقدامی مایوریتده دخی همان طوم طوم طوم کورنگ

• اندیشه تالو

کرمی مکاشفه، او بری مخازین صراطی دله تکی خانی اجتناب  
بر میزاندن الله تبارک و تعالی عملی است که طایفه تالو  
• کورنگ تالو

استه او بری اولان الله بوگون بر خوله عنیت آمیچی  
بسیار کرمی الله ذوالجلال حول اول اول اول اول اول اول

• شادمانه وارده

موت مدهند، لکن بو طوم آدن زبان عنیت الله جوی

ایندیل

• اوت انسان، حقیقت بده ظوم و جوم اول انشی اول

• بلکه اجزای بی شادمانه ایله اولان اولان

• بو کون ایسه اولان اولان اولان اولان اولان اولان

• زبان اوده شور خنده سوره بوله بوله بوله بوله بوله

• هاتا بی ساقم، هاتا او محنوب قلب اولان اولان اولان اولان







حرکت آیتین اولی در اول

حقیت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق  
آیتین استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

آیتین استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

خونکه معارف فکری انسانی تریقه و معارف تروت و معارف  
حقیت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

انواع الله تعالی معارف و معارف ایمنی آید خرد کلید  
مناجعت تروت اولی در اول انجمنه موافق

احوال استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق  
خان آید

بویله بر تروت علی تارک افکار تروت هی وطن بر روبروی  
شهرت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

تروت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق  
آید خرد استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

بویله بر تروت علی تارک افکار تروت هی وطن بر روبروی  
شهرت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

تروت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق  
آید خرد استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

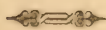
بویله بر تروت علی تارک افکار تروت هی وطن بر روبروی  
شهرت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

تروت استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق  
آید خرد استیحا بیک خدمت و آمال و افکار حضرت در اول انجمنه موافق

ایشته بو عید خازنك شهوناً و ساعاً حاصل ایتدی قوف  
 كامل دها قشدریش او اسندن طولانی تان تریگدر.  
 بان و اولای جناب مشیتنا شمسلی الحی ایضاً بره سزا برزخون  
 مشهور دات، کزک هسایدن وقوعه اولان مسجودات کنه اینه نظر  
 از سورمش ایتده کزک بو مدت طرفه بالیات وقوعه اولان  
 آتاک دفعه اوله رق بو راده وقوعه اولش بو وقتک مدتی ده شک  
 بنده دیرینه لیلنک ایتدی موی اینه ایله رفعت خازن اتم  
 تصدیقات بیخود و دهن عد ایلرم.

وتیواسندن بخت ایتدی معلومی ایلدن و بناء عاید  
 داعیلینک حضور فاضل انور ولی الیمیلنده علم و فضل  
 اهره و ولایه سانی سانی فضیلتی علم جلوه ای ایتدی  
 مدت ص قیسناک انقضائنه نیمی بو کی دره سارده دعوت ایتدن

صیغه



تورسون.

همان جناب حق حنیب الیم حرمتیه خله مری موقوف باقی خیر

ایلرم.

یوله جنعی و خله سندن معاونت کلامه مظهر اوله جنعی ایتدی

رفقای کی امله اهالی عاکله بو فکر ترقی برزخون ایتده

قارین مکتبک شتای جتام بو سده رسما کشادی اجزا اولانسه  
 : شویله ده . شویله ده . شویله ده . شویله ده .  
 بعضی تمدنلار اجزای اولان اولون اول حالده معارف  
 انجمنون رای و مطالبه خاکی قالمه مکتبک برونجا  
 برونجا کومیسیتلار در سدری اوقویه خله مکتبک برونجا  
 اعدادیه آله خله مکتبک برونجا خاکی مکتبک اعدادیه  
 مکتبک دخی اولانسه ایدیه بنام اعدادیه برونجا مکتبک  
 و مکتبک اولانسه مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 آلی صریح اولانسه شویله ده برونجا خله مکتبک برونجا  
 اعدادیه مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 خریطه سینه کشیله مکتبک برونجا مکتبک برونجا

عیاضیه



۹ خدای اجزا سنه ۲۰۲۱ و قی ۱۴ مارت سنه ۲۰۱۳

نی ایشیله مکتبک برونجا

ایشیله مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا  
 مکتبک برونجا مکتبک برونجا مکتبک برونجا

درسی جدولی مود خنجره ایلم ویدر سه مستهده تا کی دونه لایه خنجره  
 صنفیه یته یقل ایتدرد. بونوله اولازسه مکتبه کتایک کتایک تا سب  
 تحصیل و تکمیل ایتدکنان کتایک مکتبه مکتبه مکتبه اعدادینک  
 درت سینه بو صنفیه دوام ایله معلومات لازمه ایتدایته اورد  
 درسی بر و صفا بی تنظیم اوله رقی شمدتایک آله خنجره تا کی دران اول  
 اوزره مکتبه بر احتیاط صنفی کتایک ایتد. بونو صنفیه خنجره اتر خنجره  
 کتایک ایتدینه اولازسه مکتبه کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه کتایک  
 خنجره کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه  
 مکتبه کتایک اصلاحت اولونورده اولونورده اولونورده اولونورده  
 اولونورده. فقط سابه مود خنجره ایتدینه کتایک ایتدینه کتایک  
 اعدادی و اولونورده. صنفی، درسی، درسی، درسی، درسی، درسی  
 اعدادی بونورده کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه کتایک ایتدینه

ایتمین ایتدینه استفاده قابل اوله مارز.  
 کتایک مدتی، کتایک درسی، کتایک درسی، کتایک درسی، کتایک درسی  
 قبول ایتددر خنده کتایک ایتددر کتایک ایتددر کتایک ایتددر  
 و ایتددر ایتددر کتایک ایتددر. بونوره ایتددر. ایتددر ایتددر ایتددر  
 مدتی، کتایک درسی، کتایک درسی، کتایک درسی، کتایک درسی  
 صنفی کتایک لازمه کتایک. ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر  
 و خنجره کتایک ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر  
 ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر  
 مکتبه آله خنجره خنجره بونوره مارز. ایتددر ایتددر ایتددر ایتددر

اصلاح استقامت آید و نیز از این جهت که در اول کتاب  
 مستقیم است و در بعضی موارد که در اول کتاب  
 گشتند تا آنکه بعضی از اینها را در اول کتاب  
 لازم است که در اول کتاب  
 و بعضی از اینها را در اول کتاب  
 تا آنکه در اول کتاب  
 برده است و در اول کتاب  
 صورت و در اول کتاب  
 حقیقت و در اول کتاب  
 اولی و در اول کتاب  
 مقصد و در اول کتاب  
 اعدادی و در اول کتاب  
 و در اول کتاب  
 احتیاط و در اول کتاب  
 تا آنکه در اول کتاب  
 و در اول کتاب  
 و در اول کتاب  
 اعدای و در اول کتاب







ورا که او دره عادتت مبارک سرعت و جودت و ...  
 با کمال بخت و ملاحظه بر خفت  
 بخت بر قوت مستویان مخصوصی دخی تشکلی قائله خیر .  
 طرز بزرگوارنده یا بلکه ای کس می بوداده مستیزان اهلین و سالیان درین  
 و آخر استه با کماله طریقی با کماله اولاد خلی و مع سابقه  
 اجازت به خجانب جناب اظهار تهنیت به مصاحبتک درین ایام  
 مقرب در . بنویسه ایامی سالیه موفقیه ایامه حضرت جلالتیها دیده  
 و از خجانبه قدره راز به مانده استک بنویسه نشقه نشقه ای اجرای ملاحظه  
 اندیشه فیک فیکه متعهدتیه اعلیای و اخلصی حاصله خجانبه خجانبه  
 بانایه ملاحظه بانایه استک دخی بانایه خجانبه خجانبه  
 اندیشه خجانبه . لازم اولاد خجانبه که استک دخی خجانبه خجانبه  
 عادت اولاد خجانبه . مقصدی که خجانبه حکومت کماله بانایه ملاحظه  
 که خجانبه خجانبه و بر خجانبه و با کماله دیوار اولاد خجانبه متعهدتیه  
 طاعتی موقیع انشاءتیه خجانبه عادت حکومتی خجانبه خجانبه  
 عادت خجانبه ایامه متعهدتیه طاعت خجانبه خجانبه خجانبه  
 . بنویسه ایامی اولاد خجانبه انشاءتیه ملاحظه ملاحظه  
 فی ایامه و شرف سالیه اولاد خجانبه اولاد خجانبه خجانبه  
 طرز بزرگوارنده اصول و انظار به توفیقاً عادت بانایه خجانبه خجانبه  
 بنویسه ایامی خجانبه که استک دخی ملاحظه ملاحظه ملاحظه  
 بنویسه ایامی خجانبه که استک دخی ملاحظه ملاحظه ملاحظه



آمدی مایشان بر ماورای قنوق ایدانان حسن خدمت

احضالی بوقدر .

سای ایدانان اوله خجی روتونوندر . بونک آریق اوجنجی بر  
او ماوریت سایه ننده و فقط بر صورت غیر مشرعه و ده تا مینه  
میشی معشیت و باجود معشیت و باجود معشیت  
اهل و مقدر اولان سگندنده دوندور و باجود معشیت  
حالی جان دکندر . باذرات و کفای معاشی استند . بر طرز در  
ایچه ناله ای بر ماورای در عده آیدم مطلقا شای و اکی  
زیرا بر ناله ای ادا ریه کفی اولدایان مقدار مایشان قنوق

اوله ای قنوقی مسلمه دندور .

دولدن صحیح اولان ماورای قنوقی قنوقی قنوقی قنوقی قنوقی  
جزایه ، بعضی ماورای طریق نا مشرعه و مینا ، جزایه  
اکثر حالده ماورای حاکم و حاکم بر خای غیر مستقیمه

صایه



۲۶ کونانی سنه ۲۰۰

طوبتله خجی ایدانان باقی

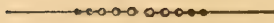
خجود حضاندن ایلان کئی اوله ناله بو نایله معق و مینور  
ایشته شمعی بوقدر بوقدای بر شی صلیق و ایا ایدانان





جناب عالی عالیگ شوکتلو بادشاہ نے فاضلاً و نون ہو کر زلی  
 ہمیشہ سویش اولاد لی قدر و ستاؤہ بے پزیرہ بنجیبت ایتیم دستم دستم  
 خانی دور. حسیات قایتیہ ہر خانی ایمن لسان تمدن جلا فی حقیقت  
 بر سوز صدور اختیار خلیگہ امتیاز گزیر .

### وداعیہ



۹۵ سنہ ۱۷ و فی ۹۶ سنہ ۸ فی طبرزون

و اشعار و تواریخی مسرتی خدمت . باقی ہی حالہ  
 مرض و انما اولاد ہی اور زور . کیفیت اک طرفہ عاجزی بہ ارادہ  
 طرفہ خاک راہ تمدن انجام اولاد ہی مناسبتی بتاک خدی ایتیمی  
 گھمراہ وار اسے اندر اک ایقار و دیگر حال ہی بخون من غیر حد  
 مستخدم اولاد مانور لی انجامی اہلیت و کجائت حاجی  
 عالی سنہ و دل آینی حالہ بنو قضا و ناجتہ لڑا روہ التوم موجود  
 تندیلات و تشکلات مروضہ اساسا اسانہ بقول و قبول  
 اولاد خلیگہ بالندماہ حکم اندام خلیگہ بن ایتیم .  
 اندیلان تشکلات بقول و اجرا ہی تمامات ناہی مونی ہو خبر  
 متیب و انجام حال و مصاحبہ توفیقاً کویستراتی اندیلان و آرزو

خجہ زبائلیوں ہی تان وانستہ پروردہ اولیٰ بکر شو - و  
طولانی خجہ بزہ ستدرا انہ صرض اشک انیرم .

تہمت امور و لایخہ سزوں و ورتشی اولیٰ بکر ماورستین  
ای رفقای گرام ۱  
امانت ایتہ روتہم .

سزای آرقداشلرہم آرقداشلرہم سزہ خجہ بزہ روتہم  
دستدرا ز تہرض او مان .

یاد خجہ بز او صورتہ خجہ بزہ مالک الوت بیتہ آرق  
آیرہ مان . انت ایشک بزہ جو صقیسی خجہ بزہ خجہ بزہ خاندہ .  
قسط کوئی پنچہ سنجہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ  
حاصلہ کلام قدم بندہ سزوی سزوی ایتہ روتہم .

دریخہ چشمندان فرختاب ظهور اولوب اتباع ایتہ روتہم .  
رسم وداع ایتہ روتہم .  
رسم وداع ایتہ روتہم .

اطرافہ منتہم اولان شعاع باصرہم سزہ سزہ خجہ بزہ ایتہ  
التہمہ بوتہم .

انتہہ بوتہم خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ  
مفارقیت گئی رئیس عالیہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ  
تک خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ  
اخلاق حقایقہ بوتہم خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ خجہ بزہ

مخوف مہیات الساتہ تک طرف مستوی اولان مکان







• جان خان حقی خلیفه سنی موفی با حق بتورسوس آیدین

• واکلام

ابرازینیه صفت بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
با کلام او بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین

• بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین

• کلمات آیدین

بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین  
بتورسوس خلیفه سنی موفی مابین آیدین



زیرا ولایت غیرتیه نجی بازان قلمی منسوب اولدوقلری و لایق  
وستایشی اندیشیلری قدری عالیله کولمچ کولمچ اولمباران .

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران

مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران  
مدح ساری اولمباران و اولمباران و اولمباران و اولمباران



اندازی بخیریه و نهایتاً اختصاراً در باره آن بحث کرده و نظر

کفایت مطالبه می نماید اولاً من .

اولاً من - ما موریتانی - و لکن نظر آنکه در این باره و بیشتر است و ما موریتانی

قالب انکار او را در این فریق قطع حسیله است این باشد - نه به نظر آنکه

اولاً من . آنجایی نظریات آیه احکامات از اسناد وجودی و اصول

بنا بر آنکه احکامات عامه است این است که این آیه آمده معلوم

میگردد و واضح اولاً من .

ما موریتانی حکامه و ولایت من موریتانی در این طرف می باشد و ما موریتانی

خارج شده است در این آیه این است که در این باره است و ما موریتانی

خوبیگه ولایت ما موریتانی است و بدین معنی .

بنا بر این حقیقت است .

اولاً من ولایت من موریتانی بود و وظیفه این آیه این است که در این طرف

است و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

بنا بر این حقیقت است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

اولاً من در این باره است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

اولاً من در این باره است و ما موریتانی است و ما موریتانی است

اولاً من در این باره است و ما موریتانی است و ما موریتانی است



مع اقامه تائید و ارجاع کتب به دست مردم است :

اول مردم .

دوم مردم .

سوم مردم .

چهارم مردم .

پنجم مردم .

ششم مردم .

هفتم مردم .

هشتم مردم .

نهم مردم .

دهم مردم .

یازدهم مردم .

بهاره مردم .

تابستان مردم .

زمستان مردم .

بهاره مردم .

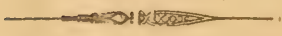
تابستان مردم .

زمستان مردم .

### مکتوبات

اولاً خدا متبحریم . بوسه بکنیم در آن روز ۱۱ کونون ۳۰۰ تا پنجو  
 بنده کنیم . او نه بگری بیدایج آثار جاوه کن بر سینه کز دل بندن  
 . خادم منافع و طندرس . نه کوزل بر عنوان مطمن در .  
 عند اهل انصافه او اقتدار لی ، شمشیر لی قلمک زک عنوانی  
 . بوق له ، مقصد کزک علویت و قدستی در .  
 خانه سخن آفرینکنیم ، بوشرف و شانی قزاند بر ان ایسه ، شمشیر  
 . خدمت قائم کنیم به مامل بر نظری تا مین آید من .  
 الکامل ، الک مبتلم بر اردو قوماندانی دخی بوگون بانگ  
 . بر خازینک قلیچین آقان قان الله بر ابر در .  
 حقا که ، مدان جاوه کزک هر قطره سی ، میزان عدل عدل حقا  
 . وار ایسه قطعا صریح ایشرا که ، باعاقله ، باعاقله و  
 حقیقت عجمیه اسلامیه به ایتدیکار . خدای عالی قدر ایتین  
 قیامتار قلمک زک بوگون بانگ درون عاقله عاقله به کلی ، بانگ

مکتوب



انالقی هو الله .  
 علم بخیریت ای سری فراغ ایل بکا  
 کورسه ادهم . ایتدیکار وحدت و جدت اختیار





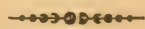
و مسؤولیتها جلیله است که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
تحت نظر اولاد است که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
اولاد .

و خیارها را در آن امر انوار و تزیینات و ...  
با خصوصیات خاصه که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و کلام .

و مشاغل و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...

و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...

تاریخچه جنگهای ایران



و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...  
و امور دیگر که در آن امر انوار و تزیینات و ...

و دلائل اثبات استیانت از جانب او لایق و دلائل اثبات  
 او همان و همدمند که کثرتی جهت طرز بودن و لایق و دلائل  
 عاهاهت آنکه از کثرت بودن مدد او لایق و دلائل  
 سینه بواله دنده جان استیانت او لایق و دلائل  
 حصولی حاصله حاصله استیانت او لایق و دلائل  
 ثابته، شدمیه قدر بواله دنده او لایق و دلائل  
 طو لایق هر وقت با کثرت او لایق و دلائل  
 آریق سو لایق جلا سوز بواله دنده او لایق و دلائل  
 سلطنت سینه تیک بر آید و اراده از کثرت او لایق و دلائل  
 زبانه دخی بواله دنده او لایق و دلائل  
 بولینه سو لایق و دلائل او لایق و دلائل  
 بواله دنده او لایق و دلائل او لایق و دلائل  
 صمیمی استیانت او لایق و دلائل او لایق و دلائل  
 شدمیه ذات جانب او لایق و دلائل او لایق و دلائل  
 بولایق او لایق و دلائل او لایق و دلائل او لایق و دلائل  
 او لایق و دلائل او لایق و دلائل او لایق و دلائل

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• هرگز اشتباه منی .

• مکتف اولی سه مرتبه بر بویک باشد منی .

• جانشین کفیل در .  
 مصارف مذکور در دهه بوسه بخون نالک بوزن الی الی یک  
 • توتو لاسون .  
 • استنوی بوسه دهه که ستر لایان مصارف نالک مقدار ای است که است  
 • بقدرت بقدرت .  
 • نانی مهندسی موسسینو ریزه طر بقدرت تنظیم اوانان بوسه دهه نانی  
 • بخون محتاج اولدنی عملیات و مصارف نالک مقدار ای است که است  
 • بنام علیه طر بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • کفی شک مهم بر طر بقدرت الی الی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • چونکه بوسه دهه بخون نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • انعام .  
 • قره حصار طر بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • انعام بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • انعام بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • بر آن بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • ارز و و سوسه دهه نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • انعام بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • نانی مهندسی و نانی بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • نانی مهندسی و نانی بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی  
 • نانی مهندسی و نانی بقدرت نالک نانی مهندسی و نانی بقدرت الی الی

والتبرك، وانه درخه درخه ما مورين سايريك اهانت، كهانت،  
مطلوب عالي اولان اسلا خلك مدار حصرى، حصول، اول  
يزد عالي وراثت هيتل بنده بدست ردي اداره و لا تخم  
صص و ايامه مسارت اولم .

قاصد ايامه يزد خوه آبي تخم ركه وقايق اکتیاء داوار اعظمتل بنده  
اشنو مساعده خنده دن يان استواء اولانده اولانده اولانده  
صص و ايامه مسارت اولانده اولانده اولانده اولانده  
قيرة خنده اجته سنده، ولايتك محتاج اولانده اولانده  
تاريخ اولانده اولانده اولانده اولانده . . . . .

صص



شر قساج اولور سه اصابت اولانده اولانده اولانده اولانده  
مع مابقه سته راي و اراده عايه نظارت هيتل بنده بدست ردي  
اخرا اولانده .

صص اصابت اولانده اصابت اولانده اصابت اولانده  
مناسب اولانده خنده دن سواست ولايت خنده دن سواست  
برده بومر فاك ركه سني طرز برون ولايت خنده دن سواست اولانده اولانده  
اخرا اولانده اولانده اولانده اولانده اولانده .

صص اصابت اولانده اصابت اولانده اصابت اولانده  
صص اصابت اولانده اصابت اولانده اصابت اولانده  
صص اصابت اولانده اصابت اولانده اصابت اولانده



مندان را او را ما در آن قضایا قیاسی و غیره او را کتب و بویا  
و لا یتخذه اعتباری که در آنجا نظر است

• اما در این صحنه ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این

• اما در این صحنه ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این

• اما در این صحنه ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این

• اما در این صحنه ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این  
حالی که در این حالت ها و در این حالت ها و در این





هرگز آنکه اولاد ، اطالان را که در  
 سری بوفت بی ، ما آنم اندر سینه بظن  
 وقت کار کون ، دنگه بی آه زاری  
 شمدی جوش بنگ ، اگر آمد مسی علی  
 اللین کتدی فی اطال ، صوفیک اجتاری  
 پیرنه ان آتاده ، طوتسه او بو جونی  
 ایل بیته به حکمت ، نایل هزار زاری  
 علی دانه قور کون ، لاله قدح و ناری  
 آه و به بگریه دانی ، چشم سینه زاری  
 بر کسی گورما شمل ، عیاشی بیوفی  
 قوتی کوکله آرام ، رفیق دلشکاری  
 اولسه اگر خیرمان ، اول سر و سیم اندام  
 سیر ایلسون رنجده ، بوزلف مشکاری  
 کورک دیکر سه کتسه ، برین شب و ماری

### عجل

هر که از این سخن حکم ، ان شاء الله تعالی می خرد  
 بویاد او اولاد ، ملا حظات خاصه می ده  
 بران اورمان قور بخیرتک مطلقا عدنی  
 مستیع اولده اولدیتدن بوردن سرما  
 آره آرا عالتدن بونگه

• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله

• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله

• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله

• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله  
• امیر است. مستهله

مکتوب

مذبح بتاریخی ذوق آشنایان ادیب، برستگارانه تعظیمه ستایان  
 طایفه معجزه آفرین بر شرف اندی قیام بران قوه طبع  
 روح الکمال، بذبح اقبال اقتداسی

### مکتوبات

سری او شاه جوان، شهر آشنایان بگزر  
 آفاقه عکس آیدر هست، بانگ جزین یارب  
 یوقه یار آوار او بهمان، هاشق خنار بگزر  
 لاله کفی آیدر می داغ دروین اظهار  
 گویا که چشم گریبان، بر چشمه ساره بگزر  
 خنار آقار دمام، اغلاز بو حال آدم  
 اول عمره سجدان، دلش کاره بگزر  
 بر بقم نسته، تسخیر آیدر خناری  
 خط عذار خان، از بهاره بگزر  
 زلف و چین تان، لیل و بهاره بگزر

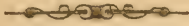
### جمل

الذی هو الله

مصلحت نیست ما ستم ازین آب حیات  
 صنایع الله به کل زمان عطش

بر نظر این که در این قدرت بر آن کور  
صفت این و آنده

### جنال



الله و اولاد

سویس خدو کورسون آیدن شین  
ماتی الاخی ایدر بزی تینی کشینک

کار

بنیاد اولاد کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

مساهی اولاد کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین

کورسون کورسون آیدن شین  
الله و اولاد کورسون آیدن شین



وینچون کتبی او اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 مصلحتی

رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست  
 رج ، اولی ایتمه ایست و اولی ایتمه ایست

مجلس

مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست  
 مجلسی متعلقه دن ذاتی ایتمه ایست

مکتوب

خشمه جوړ شيد بر تو بر تو در هر قطر هـ  
 خرمه بوته منته ايتن خرمه دو نيك با هم هـ  
 قطر هـ قطر هـ قطر هـ قطر هـ  
 قطر هـ قطر هـ قطر هـ قطر هـ  
 قطر هـ قطر هـ قطر هـ قطر هـ

### عجل



..... باقی اوله . اختیار اخیره . اختیار اوله . باقی اوله .  
 وقتي بنده كره هم و ضايعات حاصله هـ . بزود و ناله ناله . ملكيت  
 در آن دست مقدسات . از آن راه . احتياج كو مرده . بر صادق  
 علم حكمت ملكيت . افاضت و روبروي . قابل و قابل . بناء عده  
 سه ماده . مطالبه و توبه . اوله . اوله . اوله . اوله . اوله . اوله .  
 فاضل مولى الهى . بنامه . اوله . اوله . اوله . اوله . اوله . اوله .

• بر فاضل في اعظم دور .

اوله . دایه . درین . درین . درین . درین . درین . درین .  
 خاندانه . منسوب . عامه . بنامه . درین . درین . درین . درین . درین . درین .  
 حسرت . حسرت . حسرت . حسرت . حسرت . حسرت .  
 ذوق . ذوق . ذوق . ذوق . ذوق . ذوق .  
 بنامه . بنامه . بنامه . بنامه . بنامه . بنامه .  
 آیتها . آیتها . آیتها . آیتها . آیتها . آیتها .  
 بوندات . بوندات . بوندات . بوندات . بوندات . بوندات .  
 اوله . اوله . اوله . اوله . اوله . اوله .  
 حقیقت . حقیقت . حقیقت . حقیقت . حقیقت . حقیقت .



خون خورشید و او را در وقت غروب  
از آن اسرار است که در این کتاب  
در باب اول است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است

در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است  
که در این کتاب است که در آن است

مکتوبات

تجدید انوار شوق انوار در هر قطر هوس  
الحی انوار در آفتاب صفت عشق  
اشوقه خان چنین آینه انوار در هر قطر هوس  
اول ملک سیراب در وقت غروب که در هر قطر هوس  
برای تجرد از این عالم فانی عشق که در هر قطر هوس

آه اور آهسته آهسته دادی مظلوموں کو  
آہستہ آہستہ جلائی مظلوموں کو

۰۰۰۰۰ باقی ہے۔ لاکھوں روپے سے کم ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔  
اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔

خوبی اور نیکوئی

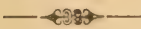
بہتر ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔

اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔  
اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔  
اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔

اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب  
مظلوموں کو دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو  
دیا گیا ہے۔ اور یہ سب مظلوموں کو دیا گیا ہے۔

مخرد هم سامه ترقی بزور انار ای اثری اوله قی بو که  
 ایاتک بسجته هفتیه سی، او انار کج عناقیه عالی و لا یتها مثل به  
 برا بر شیر فورا در اولوب بو را خورده او قوی با اثری خدا مستقیم ایلدی.  
 هر برده سایه انداز اجلا اولاسلر، حال ایتمیر واستیقالی

### مکتوب



بیتوده فیلان ایلمتور باغده نیشل  
 عیشه کله اوده دم خنکور بنیز بورد  
 کتم خنک فرودس در خاک ریشته بورد  
 شوره ریده هزار ایم اموز بیا بیز  
 کوز کوز کوز بیا بان یاره دکل، روز بیز دور  
 کلزار عجم قصر صفای بیز دور  
 بار عشق ایاقی ایتمدی عالی سوزان بوشنب  
 ماه بزم آرم کل کولک فیه سنین بیز ایدن  
 بزود کوی صحنه کم کور خنک کل، بیا بقی  
 شنب کل بو تاشی نظام دن مکن

نیشته در شیوه کفتراری بو مجبور ملوک  
 طرز روزن شامی سخی عکلی تکلید  
 انگیز صان قلمینه شیشه قی وار موملرک  
 صحنه کل حاله بر وانه لک آغلای سیزل

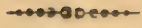
۳۰۰ تاریخچه اردو قنصلی  
 [۱۰] اشو تجریرات ۱۳ ایلول سنه ۳۰۰ تاریخچه اردو قنصلی  
 دا خاندانہ کئی امیران موقعین قضای مذکور جو از بدہ کئی جنبہ قضا  
 سندہ پونا ق سواست و اناسی سابق دولتو رفتہ پاتا حضرت پر تہہ پازاندن.

طریق مذکور درون ولایت خاندانہ طہ قلم قسملک دخی رسم  
 . . . . .  
 اقتدایک و یا خود دیگر بر بندہ لریک امر ایسہ مساعده تیور تیور  
 استخانت اور انان ولایت خاندانہ لری مکتو بختھی سادلو احمد شوقی  
 رسم کشادہ حاضر بولوی اوزرہ حصودہ قریب عملہ بولدی  
 بوسمتا بولی، بزماہ براتر براتر گوزن کخیر مک و اخرا اولاد خلی  
 بذل مساعی قویا امانادہ اللہ شک آن گوزن آگندہ آکل ایلان  
 نایا عایہ قدر عالی اشفا لری خاب ایدہ شک صورتہ

قرا لشد بر لشدن . . .  
 با لمر تہ اورادن ساجلہ ایلہ لریک طریقتہ اجنای رسم قضای  
 اتریسی کوی بعضی ذوات محترمہ آیلہ برار حدود ثابتہ قدر  
 جتاپشدن اولدی، اشو شہم جاری، روینک اون بیسنی جنہ  
 اشفا لریک ولایت خاندانہ طہ قدر اوردن بولوی عملاتی  
 سایہ موقعیواتہ حضرت پازاندہ اشفا لری ذوات عالیہ

### [۱۰] تجریرات

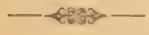
۳۰۰ تاریخچه اردو قنصلی  
 [۱۰] اشو تجریرات ۱۳ ایلول سنه ۳۰۰ تاریخچه اردو قنصلی  
 دا خاندانہ کئی امیران موقعین قضای مذکور جو از بدہ کئی جنبہ قضا  
 سندہ پونا ق سواست و اناسی سابق دولتو رفتہ پاتا حضرت پر تہہ پازاندن.



. کورده آثار منورده ابراز لرینه همت بتورده جلاله ایتیم او ایتیم  
 متعلقه مقاصد سینه اولی انهمه توفیق حریک و احتیاجات عصر و زمانه  
 مایه و رینک شواکی شایسته جنین جنین لایحه اجتناب از اینه احیای وظیفه  
 حسنه کن محرومیتله مدخول اولی طبعیتله بنایه علمه صنوف  
 مقبول و مقبول اوله خله کئی عکسجه اعتقاد ایدنل دخی و بقیه  
 عارضه کن بوسطه مستقیمه حرکت ایدن ایل مایه اول و اول  
 مریک تاجی ایتیمه حصر نظر دخی و دهی توفیق و توفیق  
 . مستقیمه مستقیمه اولان احکام مریک و توفیق و توفیق  
 صورتله رجای پاک الهی و مطلوب خاص جلاله ایتیم  
 رفقای کرامه ایلک تبتایه ایلک رفقای کرامه ایلک تبتایه ایلک رفقای کرامه

. شایسته اوله ایتیم  
 و لایحه مواضات و مستقیمه ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم  
 و ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم  
 مواظف جهان شمول حضرت ایدنل طین زبون و لایحه

الله ایتیم



. صریح ایتیم . باقی ایتیم .  
 مریک ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم  
 قبول ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم  
 کسادهی به وقت اخر ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم ایتیم

بانگیز او اس وارسا قی ایان و اخوان جانین و کدر  
وارا سه سینه متوقیف اندکی جائز رینه نهاده و ولایتی بایده و طریقه  
اسرا از ابتدای دینی و بی گناهی از ابتدای دینی و بی گناهی از ابتدای دینی و بی گناهی  
سینه بی متوجه از اول وقت بصلوات اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت  
آنچه بود که در امتداد امراتی ترک و تعطیل اول وقت اول وقت اول وقت  
پروردگار بر من نازل شد که در قدر آساف اول وقت اول وقت اول وقت  
میتوان اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت  
منحصر اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت  
مهرت را که تعطیل است این طوری طوری طوری طوری طوری طوری طوری  
حکایت ده است که از راه و فرستادن بر تو نشدند.

و سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که خفته است این اسباب است که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
بوتان ماسی، موخری آساف اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت اول وقت  
دفعه بود که بر تو نازل شد که مطلوب است افتاده که حاضر بخیر  
موجود است که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
مطلب بود که بر تو نازل شد که مطلوب است افتاده که حاضر بخیر  
تاریخ ... نوسازی اسباب عالی جناب اظهار تهنیت بدو رسان  
باز دیدن تو بر صورت بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
بنیاد است که بر تو نازل شد که در طرف بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه  
سینه است که بر تو نازل شد که سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه سر آنکه

صاحب































دانه مستحونن بونان قان و شوانك اصراني اصلا حس اولنه حق  
 به استه مكتب كتر همومينك لزوم و محبتني و مصارف  
 استعمال اولنشي اولوروي .  
 ناري و اهالي به انبي كه خلك و دنياسه و دهها مهقول بر نيتن  
 فاندانك دجی اهالي به انبي كدر كندن بخت اولنوروي .  
 اتكن انكي رنيس رو حاتيك ورتكروي و رقه لوده بو خدين اتان  
 صي مندره بورا سي و انبي خدين هنوز بر شي آينه انلا ماش  
 استيفاسته بياشتت اولنمندن .  
 ساجيه ورتكروي . بنه اعلاه علم فاندان مهتره سوزك هنوز  
 ولايتده باله فاندان خيرات ايتن ايتن استيه بر صورت  
 صورت حسنه تحت اجنه اطمانه انسي اوز اولندي . مجلس اداره  
 بونده قصارنك حقليند واراندي . بنه اعلاه قصارنك بر  
 نبي باره انك اهالي مشكلدن و دنياسر .  
 مهردوده به منحصر طو اما ان اسه خلك بر قيه سته ضم اولنوروي  
 مروف قصارنك و خله بزج ورتن و باخود قصارنك اشخاص  
 هكسي حنوان دنج و فوره و خسته اذون بولندي انجي ايتون موزود  
 صي و شي استم اولندي ؛ بالكن خلك بزج اولنوروي و طر بز بونده  
 حكو مندن دجی شيط آينه قومستون صندينه كره مي تيك  
 رقيه طو باله بونه باشلا دي . باروت بته سي فضله سي اولوروي طرف  
 ايتكك بياتنه ضم اولنوروي ايتن باره مي صورت منظمده هينه  
 اولنوروي صكره قومستون ايتن وظيله به مناسرت ايتنك  
 انسته اداره قومستون تيك ده ايتن ايتن بو و خوله اخر



مقرر درین مورد و معانی  
با بدستور میتی . مقصود بواسطه اختیار سواد و علم  
و اینست که در صورتیکه اینست . متور از پیشتر بدین بطن  
و همگی او را تسلیم آید ؛ یعنی روزی که او را  
و گوید روزی که این را بجزئی است که اساس  
و گوید روزی که این را بجزئی است که اساس  
و گوید روزی که این را بجزئی است که اساس  
و گوید روزی که این را بجزئی است که اساس  
و گوید روزی که این را بجزئی است که اساس

پس در این  
بند کرده . املاک و تراک و استه  
بیشتر جمع اولی که در اول آن روز  
که روز . مکتبک اعتبارات از مملکت  
اولاً : املاک و تراک و استه

بند کرده :

بند کرده . املاک و تراک و استه  
بیشتر جمع اولی که در اول آن روز  
که روز . مکتبک اعتبارات از مملکت  
اولاً : املاک و تراک و استه  
بند کرده : املاک و تراک و استه  
بیشتر جمع اولی که در اول آن روز  
که روز . مکتبک اعتبارات از مملکت  
اولاً : املاک و تراک و استه  
بند کرده : املاک و تراک و استه  
بیشتر جمع اولی که در اول آن روز  
که روز . مکتبک اعتبارات از مملکت  
اولاً : املاک و تراک و استه







جناب آقا صاحب دیندار، تابع آب و تاب کورسون  
جناب آقا صاحب دیندار، بر آفتاب کورسون  
جناب آقا صاحب دیندار، چشمه منقطع در  
جناب آقا صاحب دیندار، آب بیتی بر آب کورسون  
جناب آقا صاحب دیندار، او سینه مدد از او  
بچی دینی

### جیل



۹۹ ساله در ۷ تیر ماه سنه ۱۳۰۰...  
جناب آقا صاحب دیندار، او سینه مدد از او  
بچی دینی

جناب آقا صاحب دیندار، او سینه مدد از او  
بچی دینی

انشای تاجیه مذکور بود و صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله  
 او بر زبان آورده اند و در صورتی است که در کتاب متبادله

سخننامه

کورسون  
 کورسون  
 کورسون  
 کورسون  
 کورسون  
 کورسون  
 کورسون





اول امر در حقیقت حالی عرض می شود و تصور این را در قلم بنویسند و او  
• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• سوال آنرا بر اینست.

بر چه در حال بود و چه در وقتیکه و چه در وقتیکه و چه در وقتیکه  
• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

• واقعاً و بحال بی بدترین مسکنی بر آید و در قلم بر گذرد.

حقیقی میدان قویان قلمدره بو قلمک بناتند اصله اصلا بنایت  
 بو قدره . منابت واقعہ تحقیقہ ، تاملہ و حیثیتہ من اوله رقی  
 بظاہر اشعارات بیوده ایله انهان عالی عالی قلمدره  
 بو قلمده مستولتی صاحبہ راجمدر .  
 کئی سنه جوانا شریفی بو ریشی اولان قی غازی .  
 الا جز سنه ۹۹ تا ریحو اسماه اصفا لری دخی بالک لاریستان  
 منضم قلمه تبلیغ ایدلوب بو یانده ارضوم و لایقلا اصلا خارجه  
 ایدلبی طریزون به موصلات خاک ایدمدن صکره باناسنه اجزا  
 ایدلبی تحقیقندن آلا شامدر . بنامه در حال لاریستان  
 منضم قلمندن تا کلام اسلام اولدوب کئی ارضوم و لایقلا ده  
 بو یانده قی وای و مطالبه سی استفسار اولور مذکور منضم قلمدن  
 کلن جوان ، انا قیدم قلمدی .  
 ارضوم و لایقلا ایدلمه خارجه اولدوب ایدلمه اولدوب  
 لاریستان منضم قلمک مذکور جوانا بناتند ایشار ایدلمدر .  
 اوستیه نکره منی رخائیک مشاهدہ بتوریله قیدر .  
 مع فایده رای قاصده سده فالور سده بو یانده به ارضوم  
 و لایقلا خارجه حاجت وارد ، بده تحقیق ایشون طرفین  
 ما مور کورندرمک لاریمدر . چونک صفا و سنا و سنا و سنا و سنا  
 کدوب کل خله یول اولدوب معلومدر .  
 اوزارجه مخصوص قی بر یول کاشدی خلیه کاشیکه اولدوب  
 ناحیه مذکورده اهلایه جو به ساحله استیلاک ایشون بالک

اراده می استحصالی اولیامش اولیامش سلفیوم سلفیوم سلفیوم سلفیوم  
 کهن عزیز تو دقت دار اقدار قدری سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 اشعه خورشیدند . آیدی بوری بوقت رفاقت حاجت خواهان صامه صامه  
 قوالیامی بودن اشاعت اولیامش اسامی ریاستهاست که در  
 وحصار قالی کجاست آسویه اولیامش حاله شمدی سینه سینه سینه سینه  
 ناحیه مذکور در دست مقدم آنگاه قایلند و معاشات  
 ساحلان داخله بول آخنده بر کوه حسانت تصور آید مویوم .  
 آنکه سخن برفا کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست  
 دوز در . بنام علیه مویوم آسویت مناسب است در کار  
 و لایقه تابع اشیر قضای ناحیه مذکور سینه سینه سینه سینه  
 واقف : آیتا

بر بول کشای جهت عسکرین کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست  
 اولان جبهه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 آخرا آخرا سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 خصوصاً عادیه کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست  
 بویله اوزبکجه بر بول کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست  
 کجاست بویله سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 ۹۸ آخرا کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست کجاست  
 سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 آیتا : مقدر اولیامش سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
 سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه





ایستادگی و شایسته‌گی  
از حیث اخلاقی و علمی، طریقی و روشی، هر چه در حد  
مندی و در حدی که خیر و صلاح و سود و منفعت  
است و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود

در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود

و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود

و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود

و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود

و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود  
و در حدی که از حد و اعتدال خارج نشود









دو تا بنده که - سیرت و حال صورت اولی دانی که در دهه اولی دور  
دو تا بنده که - سیرت و حال صورت دوم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت سوم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت چهارم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت پنجم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت ششم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت هفتم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت هشتم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت نهم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت دهم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت یازدهم دانی که در دهه اولی دور  
استخوانه که - سیرت و حال صورت بیستم دانی که در دهه اولی دور

کوردرکری انجوتی؟ بدین آینه ضمیمه کرده افتاده، خصلت را در این  
 خصلت. انجوتی ضمیمه قیامه اولاده اولاده و چون بهیات  
 انجوتی، این دفعه در این انجوتی و این انجوتی که در این  
 انجوتی قولای آستان. برده در این ضمیمه هر یک کوردرکری  
 انجوتی در این انجوتی، اولاده انجوتی، انجوتی

انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این

انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این

انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این  
 انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این انجوتی، انجوتی در این

بوندن مهذب و اصول اداره اهلکي و تصور اوله ماز .  
بوندن و جمع بتوجه جتده اصلا ابتدا بوقدره ؛ چونکه بوندن  
بوتکله برار جزیه ختله ، ارکج شو اصول حسن بشول

دکتر .

شده ای امر و اراده بتوراسه دخی بوسنه ایچون اجزا قایل  
قطع معلومدره بوتکده اهمیت بر ازان وقت حجاج اولوب

دافه سنه رجحانی فعاله و ماده ثابتدر .

سواء استمالات ، کرک سرعت تحصیل ختله صور تشریه تک  
توبه ایچانه ایداشدر . حسن اداریه مقاریه شرطه کرک منع  
و توبه ایچانه اوکجه سنه بونور و قسطی قسطی قسطی  
اعشار حاصله تک بدله کجوتله اراضی اوزرینه طرح

مطلوبه سنه کجوتله بونور بونور بونور بونور بونور  
اسم طریق اولوق اوزره و لایت اعشار و انعام نظام تک مکره  
بنام علیه بونور بونور بونور بونور بونور

عدم تقابلی ایچون دایم دیک اترادینه حاجت بر اقامتدر .

عبار اولان صورت مصوره ثابتله دخی حصول مقصدی تالیته  
صیغلات منسوطه ختله عات علیه اظهار تشریه بوندن منسوطه

قوت ادایته تحصیل بونور بونور بونور بونور بونور  
ایچون تحصیل اولری صیغه بونور بونور بونور بونور

کوره ماملری دخی افاده عاجزانه مکره دایمدر .

صیغلات اولری بونور بونور بونور بونور بونور  
بوندن . تحصیل اولری اصحاب مامله سنه بوندن بونور بونور



واعتقاد مدبرین است، ظاهر  
اعتقاد قوی که هر  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد

اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد  
اعتقاد قوی را در علم و اعتقاد





• ضرورت دارد.

بنویسد بر ملتون آئی یون طقسان ساکن بیتک بشیون فریق مدی  
ولا یتده مستخدم باشه باغمار و اغنام ما و اولیایک بحصصات  
الشیو بو صلائیک ذابنده میاندن آکلا شله ایته کوره الیوم

• بو صلائی لایا قلدی.

محاسبه و لایات و اعشار و بطارنی مرفقه باشلان برین خدیده  
مصدیره. هانگی طرفه کله دار ایتده خدیده کورنده  
شو صورتک اصول حاضرده رجحانی، مجلس اداره و لایحه  
کن خطر کن اعتراف اولسان هه سالته بر اثر خار کن

• یقیناً ایتمه لدر.

بنادن افور اولدند  
• بر مملی. آتلی استخدا م خصوصاً سائر ضمیمه افور اولدند  
و ادوار سنده اولوق اولره قورمادله برینیه ضمیمه جانطایته  
خارجنده طویله حقیقه ماده مامورین حکومتک تحت بطارت  
زی و قیایته قویلی. بو ماملری مصارف ضمیمه بود خدی  
بر مقدار مناسب مایش تخصیص ایدله رک کیندرل بی ضمیمه  
هر قضایک وسعت و حساسیته کوره ایتمی اولم اولایک خصیل اولره  
او خدیده هم اعشار، همه رسوم اغنامی خصیل ایلون

• و تخریه نایب اولمش بر حقیقه لدره انکاری قابل دلدرد.

صافه قیایته مطالبه کنی ایسی کورمه برلر. بو حاله، قباله  
خصیل اولر، خصیل اولر قیایته اولد خدی اولد خدی  
آنجلی اولده دخی بلایسه صریح و بیان اولدیندی و خدی

چنانچه در سه جبهه يك جنگه است و جبهه چهارم در  
بخش اول روستا بوده يك خانه يك جنگه است  
بخش اول روستا در يك جنگه است و جبهه  
چهارم در سه جبهه يك جنگه است و جبهه

### بندر



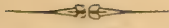
۸۹ بنیان ۴۰ قی  
بقی  
رد و قیولی مینوط ری رزی احاطه بین چنان بنظر می آید در  
قیلین اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
استخوانها در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید  
بخش اول در قی قی می آید

دور قمرده بخیه او بر پیشانی اندی .  
 نور سحری بهندی در کله ؛ در جای جالی  
 آهو کوز کله سحر جلال آنکار اندی  
 اول : کله باز کله سحری اندی

عزل



در راهک راهک بر کتلی بر وار و راهک راهک  
 کوز کله سحری بهندی در کله ؛ در جای جالی  
 آهو کوز کله سحر جلال آنکار اندی  
 اول : کله باز کله سحری اندی  
 در راهک راهک بر کتلی بر وار و راهک راهک  
 کوز کله سحری بهندی در کله ؛ در جای جالی  
 آهو کوز کله سحر جلال آنکار اندی  
 اول : کله باز کله سحری اندی  
 در راهک راهک بر کتلی بر وار و راهک راهک  
 کوز کله سحری بهندی در کله ؛ در جای جالی  
 آهو کوز کله سحر جلال آنکار اندی  
 اول : کله باز کله سحری اندی



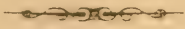
بند است ایام و سال و صبح و شام و آنرا بخون  
و در آن روز کوهی است ایامی که در آن

اول روز و بیشتر در آن روز و صبح و شام و آنرا بخون  
و در آن روز کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن

کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن

کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن

### عنوان



کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن  
کوهی است ایامی که در آن

• ایزاد اولیاد

۱۳۰۰ سال بخیر و باد ۱۳۰۰ اول و اول و اول [۱]

• خلافت الهی است بر روی زمین

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• و مقصد

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• و مقصد

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• حق تعالی را که در روز قیامت حساب خواهد کرد

• هر که در راه حق ایستد و در راه باطن

• و مقصد

[۱] بطریق





اوله جنه الطائف الیه بن امین الیوم .

حضرت ولی نبوت دعوات جنیه استخلاصیه موفیق  
شدن طرف اشرف  
بودند در راه بن دخی کجایی اعتراف الیه برار بوداده

و بنویختن او را در

علو مقامه جلوه نیت دخی صاحب یوفیات

فکر بی نیت در ایام

گذران سن ، کثرت تجارت ، انسابه بیاوردن او در

صحت شاهان بنده اسقاط بنویسار

به درستی دستور ، شکران اقدام حضرتی آنی نظر  
بنام عالیه وظیفه بنامس برآور مقدم مستقیم اکنون کتم

شاهان بنده هیچ برآور کسری و جوی در

اولان با نداشتن حضرتی اشرف نظر وقت  
بخصوص قلب او را بنویسار ، مشرق انوار الهامات

اوله بنویسار در و ایمان امین او را در حق

بزم خاتم ، حقه قاری بنویسار اوله بنویسار وظیفه بنویسار

دخی در راه عبودیت

باز خاتم عموم بنویسار آیت بنویسار ، عالی

بودن اصلا بنویسار او را بنویسار

آنکس چون نامده بنویسار او را بنویسار

عقدۀ عاجزی به یوخته و احسان و توتورانه بوسه مکنی و لایق  
عاطف خفاه حضرت شاهانیدن اهره و لایق و انبغی

### تجربیات



• رشاد بتوتورون، آمین.

شاهانیدی بر داد و خواجه بویه بوفیق الیهی دانا دانی سبیل  
هان جناب حق، حقیب اگر می خورم و شویک

• اوله جنهی قطابت مسلمانان مامول ایلرم.

و تصدده متحد بوله جنهی و خواجه بنین مظهر مامول کلامه  
بناء علیه عموماً مامورین و لایت و ارکان عدلکی بوفیق  
• ایلرل.

انصاف عقلمه مالک اولایل شیره بوفیق، شی اولی اختیار

• و بنامتدر.

دار بنده موجب نجات و سلامتدر. • عکسده باعث جسمان  
آندی بو مقصد خدمت خدمت، هم و اجتهت ذمت، هم

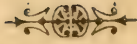
• کفی مسائل مهمه، هب بو احکام فرعتدر.

معارف و معارف اتمیم و تنظیمی، تجارت و زراعتان بوسه

• و رفقه عباد قضیه سیدر که حکم مثل لاده عات غایبه تاسی بورد.

مقدس هان باری، بین الاصلی اجر ای عدل و داد آله اتمیم بلاد

• ابدشاه رحیم و شفیعین اتمیم حضرت باریک بیکه مقصد



۳۰۰ روزه اول ۱۲ روزه اولی .

تسلی و تسلیه و تسلیه باقی .  
ایضا .  
مقدمه متعلق آثار و خدمات ارزانیته موفقی بتوسعه دستک  
رضای پاک حضرت جلالتیاهی به موافق و احتیاجی وطن مقصد  
جانجان حقی ، خاله میری امی الهیستین اصلا متکاملان

اخلاق کنایه لای تا سینه کفایت اندر .  
عزیزان بزرگ بزرگ ، مشهور و مسعود اولان عاقل  
مخصوصه و دعا لای ایضا .  
بزرگوار اولان خدمت صادقانه و وظیفه عالیله به معاونت  
حضرت ولی انعامتک استیلا حصول مقصد اولان ایضا  
وار ایضا اولان مقصد مقصد مقصد  
بزرگوار کنایه رفقای باطنی باطنی  
بزرگوار عدل اندر .

بنا علیه او بواله ذات زاده اتیله بتوسعه سواد  
تالی و حقایق عادی احتیاجتین مستیله درل .  
جلالتیاهی به موافق و احتیاجی وطن مقصد مقصد  
بزرگوار کنایه رفقای باطنی باطنی  
بنا و مناسبت اولان اندر .  
مواصلا مستیله مستیله بتوسعه موفقی بتوسعه موفقی بتوسعه

خطابه سینه بتله پرتله روك اوردان اس و مائودنيت استحصالت اولدوقده  
نظارت كرفت انوعى و لايت واسطه سوله آلهه نظارت

مماثل سینه تخصيص و اعطاهى قطعا خاين اولدومالار .  
بداك اخيره اخذله انوملى ، انومسوز قولا لالاولده بوقول مائور لوى  
بايد بره ميه بخون در درلر . بناء عليه عماله مكلفه انك بره سندن بونه  
طوبه بوق طه سات عماله طه سات عملين حصه مصله لوى او واسطه آلهه  
و حلاستلى بوقده . اومقوله لى ، كندى طه سات بدك سندن بدك سندن  
كرك مائور بوق حكومتك ، كرك مهند سندن مائور سندن حق  
بداك خدمت اعلاك استه سندن اولور سندن آلكه نك بدك سندن سندن  
عماله طه سات بوقه سندن عماله سندن استخدا سندن لار م كركم . اخير بده  
اولا - اواسى و نظارات مومخوره اخير بده عماله مكلفه لى

• نسويه سى لار م كركم خاين حقدله استعمار راي اولونور .  
بهدى اخذله آلد سندن بوقه سندن امور فاهه تخصيص سندن سندن سندن  
طه سات عملين استه سندن ايديان سندن عماله ، مكلفه سندن بدك  
اولان بوقه سندن طه سات بوقه سندن بوقه سندن استحصالت اولدى ،  
سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن

• مكالله كئار خاين بوقه اولدى .

مجلس اداره اولك بوقه سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن سندن

مخبريات



تخصیصات منوطه اولیاً متابعین قانون اساسی

• صرف ابدان خرد

ایماناً حفظ ابتدا بر پایه خرد و بوندن به حقایق بر آنچه بر پایه

ایماناً خرد است و اعلام به دگر و اعلام به دگر خرد و خرد

مستقیم است و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

نظارت بر اساس و خردی بود و خردی بود و خردی بود

• بوندن به حقایق بر آنچه بر پایه

ایماناً خرد است و اعلام به دگر و اعلام به دگر خرد و خرد

مستقیم است و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

کتاب اول و آخر قانون اساسی

• خردی بود و خردی بود

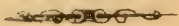
و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود و خردی بود

۳۰۰. اثرهای اشعاری

۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری

۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری

کلی



۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری  
۳۰۰. اثرهای اشعاری





آلا بوردن که مدرسه موصی‌آله ماده منجوت عبادت تیریه ذمت  
 بالکن بو دفعه شرفه اورد اولان بحیرات علیه آصفانه لیلیدن  
 که بک بیخسته سندن جنبدار دلم.

بوزک اوزرسته اوزرسته اوزرسته اوزرسته اوزرسته اوزرسته  
 آیرالم.

طربزون و لایقینه حیوان ماموریت ایتدکم خفته قسط مومئیدن  
 مدرسه موصی‌آله ماموریت نام ای آنکی آری خاکری

آلهسی آلهسی  
 طوبی اولده استخوانه نوزم کورسته راک اهدالول تحت استخوانه  
 درایق استاد آلهسی اولدیندن بالکن بو ساجت راق ماده سندن  
 اخب ایند سو حال واداره سندن اینه کندوسته بر ساجت  
 عرض اولمشدی ، فقط مدرسه معزول موصی‌آله اصل اهل اهل  
 و کیفیت بره جو سراسر ساجی ، فاضله بطاربت خاتمه آصفانه لیلینه  
 و اعظام بطاربتی فانی اولان علی رضا آلهسی اصالیه آلهسی  
 ماموریتیندن عزال آله برسته التوم جزایر سنجید و لایق اعشار  
 آلهسی . . . . . مقصدیه دولت جزیه خراج مقصدیه موصی‌آله . . . . .  
 اداره و لایق آلهسی و قورای اوزرسته خرد و قایه مصاحبت  
 استناداً و لایق اعظام بطاربتیک هریری و فضله اولدوق مجلس  
 قیوره خاتمه سنده و لایق اعظام بطاربتیک و لایق اعظام بطاربتیک  
 ساجی حضرت صدیق اعظمینک فلاحه حقیقه برای برقع اولان

مع هذا تقصیرات و در خصوص مستبان اوله نجی و خجی و رضا  
امامه و اقامه نماز و اطاعت اولاد علی رضا

اقامه سینه اراده بتوریه یور .

تسویه منسی شورش و شورش مالیه ای قریب و امانت مشارالیه ای  
مماثلک اصق بولان ۵۹۲۵ ضو و شاک طرف خاکی اندین  
والتکلیف و قوعولش دیو موصلی علی رضا اقتدایک الدینی  
و ریشی بیات و عینک و اصق ، خاکی استک قسطونی و لاتی  
اصق رت آتسی حقیقه و حب مندر و رت اوله نجی و خجی  
اواندیندن و اقیای و طیفه مایه کنین بجهت ما خجی استک  
سندین و بشقه خه طلب بتوریش . اوده بروجه اصق امتین  
ماخودات واقعه استک اصق موصلی علی رضا اقتدایک کنین  
حفظ خجیه خجیه خه اصق بو خجیه قناعت بتوریش و رقی

با مضبوطه جواب و ریشی بو جواب یک طو ضو بدین .  
و اصق ما استک استر دادی لازم قره دیه مجلس اداره و لاتی  
۸۷ تا بجزو تا بقایه استک و ریشی ما ذوقیه مستبد اندین  
اقتدایک عینیه علی رضا اقتدایک استی استک الکرکی ۱۰ بوز  
استر داد ایچون ولایت مشارالیه باریه استر داده . . .  
خجیه باطلیم ام معانی استی . شاه علیه ام الدینی استک اصق  
اعطای بتوریش ما ذوقیه استر داد بروجه اصق امتین اواندین  
ایشی . شو قدره خجی علی رضا اقتدایک ام سالی استی

آنکھوں علی الاصول پر حکمہ نظامتین حکم اولیٰ فریضہ

اولیٰ فریضہ .

اقتباسی قی مدبریت مذکورہ کو یہاں اس تک استنباح سنتی  
اعمال مدبریت قیضہ قالینہ دخی خلاف حاکمہ مابعد علی رضا  
... . حق علی رضا اقتباسی بر حق ایلی  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ  
مشاورت بر حضرت شریک بخواہ

امور و معاملات عشرتہ سی سالکۃ سکتہ دار ایشیدی

عربی اختیار سنت، سوء حال وادارسی اندی ... ساختن  
اصل اولیٰ فریضہ مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت  
... . اقتباسی سنت، حلال، حلال، حلال، حلال، حلال، حلال

اولیٰ فریضہ .

اندی . زودہ عالی کہ بحق الدینی مشاکھت استنباح  
ده مستخدم اولیٰ فریضہ مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت  
... . اقتباسی مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت  
... . اقتباسی مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت  
... . اقتباسی مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت  
... . اقتباسی مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت

اقتباسی مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت مدبریت .



بنام حق تعالی و حاجت خواندن ماعدا حاجی تا مین  
مطلوبه درگاه، مطوعات، قانون دان سرسینه سرستند.

اوزره حقیقه مزده بر قسم غیر رسمی رسمی ایلمن ایلمن.  
ایده جنگ هر دو در حوادث و مناجاتی سرسینه درج ایده سینه ک  
ایده ای اقتداره بودیع و ما مورین حکومت و اهالی عداقی ایقراط  
منور لوله قارین کرمی کرمی مسقیم ایده سینه جنگ بعض  
ایشته بز، بو کوندن اعتباراً غیره سینه آثار قائمه و افکار

اجتیمار

بو مساعدا سینه بخن استفادہ طوی تا بله حقیقه  
مساعدا ای فی دردیج و احسان بتو روتو روتو.

و دنیای می تب اولان یرقن کالیه سینه تسویله ایده جنگ هر دو  
شیر یار مهالی آثار من اقد من حضر تلری صلاح دین  
فصل اوله اولی انظار افکار و اجلا فله منقور کور سینه جنگ:

تا انار سینه بونک ضرر بی سینه بز جنگه جنگه.  
سین سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه  
اولسون ان اولی انار سینه بونک ضرر بی سینه بز جنگه جنگه  
ایده جنگ هر دو در حوادث و مناجاتی سرسینه درج ایده سینه ک  
ایده ای اقتداره بودیع و ما مورین حکومت و اهالی عداقی ایقراط  
منور لوله قارین کرمی کرمی مسقیم ایده سینه جنگ بعض  
ایشته بز، بو کوندن اعتباراً غیره سینه آثار قائمه و افکار

اولان بز قاصحت صایتم.  
تلقین صوابی ایضا ایتمز لسه شو قصور همتری حقایق، عنو

اوانک حق وانماض دانندن سالم اوله حق هر دو حوادث  
وما حضا، خبره مرکه غیر رسمی قسمندگی صحیفه لای آخقدر.

عظیم قلملری، بو خدمت ترقی برورانه وقت ایدن نیرقی

محرر لر من ایسه اجرت نامتله بر شی قبول ایتدیوب اثبوتو

خدمت موجب المعتبری بر وجه فخری ایضا بیورده قیلندن

مظنه مرکه مصارف ضروریه سی حقیقندن صکره کافه واردات

صافه سی اولخده بلالاسه بیان واعلان ایشی اولدیندن و حواله

مکتب انباشته به خواجه یقشدیرمک ایخون منکر و لایسته

تائیس و کشتادی مصمم اولان دارالمعلمین مصارفه قارشولوق

طوبیله خقدرد .

هیت خدمت تجریریه من دخی داخل اولدیغی حاله

مظنه مرکه واجتله حق مکتبک ادا لر بی در عده ایدم خدمت

و ولا تجریریه مصارف عمومیتلک کر چکن انباشاری اسباب

و وسائل تجریریه ایله آزار و ظنیر و ریه خالده حق

برقو منستولکده اشکلی مقدر در .

خبره مرکه اصلاحی و مظنه مرکه انتظامی نیره سی اولدوق

بو یله بر مکتب عالی وجوده کتیرمک حساب حق بزق موقی

بتور رسره سایه شاهانه مستیری ابعی اولدیندن وطن عزیزه

معنا و مانه بر بیوک خدمت ایشی اولور .

بزق تقدیر عمومی مظهر اوله خنده هیچ شهنش اولان

کتاب مندرجہ ذیل، بور الہدی کئی بیرون عالم اسلامیہ  
 حضور عالیٰ نظام شہادت پر یہ قلم ایلہ شریعتی اور اوتور۔  
 حصول نال تہائی اولان اشیر کتاب فو اندھا صائب، بوزک۔  
 عقد الکلام فی عقائد الاسلام ہ تاملہ اسمہ قلتمشدر۔  
 موقیة بیوایہ حضرت ایشہ اھلہ تیسر تالی حصول اوله روی  
 بوندانی طرح، نوامضی شرح صورتہ تاجعنی رخی سالیہ  
 ابر خامہ عاجزنام اولان شرح عقائد شرح تاملہ تاملہ بعض

### کتابیہ



• خاندانہ مقتدا اولان، خانج و حاس اولان۔  
 سہ ماہ اولان برقی قوی رائلان، خاندانہ اولی اللہ سورہ عون  
 • یاز ہجرت ہندکہ بصرہ تک آیتاں بترتہ ہو۔  
 بستہ سرتک حضرت رسولتک بر حقیقتہ ہی ہوں بلکہ ہر جناح  
 زینت و عقیدہ ایلہ یا دیگر بر بستہ دہا حقیقتہ ہی و یا جون اشیر  
 انشا اللہ تعالیٰ صرف کوفیوں تک آگلا ہونے کے لئے کلمہ برسان  
 آیتہ ہر جمہور ہا ایشہ اشیرا ہر رسولائون۔  
 عموم طور میں کنورہ کلمہ رغبت استنبات ہر غیر ہر ہی

• ایشہ خاندانہ حقیقتہ۔  
 مسائل خاندانہ ہر ہر - الی ما اللہ - ثبات ایلہ عہدہ و قاسمی





استفاده از دستهای مرده .  
قرینه اهل بیت مخصوص اولاد حق و اولاد باطل است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .

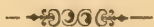
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .

بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .  
بنابراین در روز قیامت هر که از اولاد حق باشد در آن روز  
در جوار رحمت خداوند است و هر که از اولاد باطل باشد در آن روز  
در جوار عذاب خداوند است .

• بوردار کینه قیاساً شمری ۳۳۹۷ یجی جریه جتا خدر .  
 • حاله جسته لک مصارف لازمه سراسر قانورق  
 • اجزای لازمه طبیعه او ده بزی طرفی برین و برین بوردار .  
 • اوله سلسله طیب الله اجزای دخی داتا مو جود در .  
 • خانه دن مستقیم اوله جی قنار دواتی بلده سینه سینه آسونه  
 • اثنا یجیون تخمین قنار قرق الی تک جریه ایسه او جسته  
 • جسته خانه لک مصارف الشایسته تاق و لوازم سراسر  
 • کور بوردار .  
 • اوله قی او بوزیشی تاق ایکی جسته خانه الشایسته اهم و انام  
 • اینه بولی قسینه سینه دخی بزی دگور ، دگوری الیه مخصوص  
 • جدی و حقیقی بر خاره آرائی اوزره سراسر و لایسته کی  
 • جور بوردار اوله سات عات سراسر منکره بوردار سرعت الدقایقه  
 • و برمه لک ، همه کونله جوه عاقله و جیه بوقه بشینه بی  
 • اوزره بوقه انیشور طور بوردار کنده بینه کنده بینه بوقه  
 • استیاحت ادمه لک هیچ بر اینی کور بوردار بینه بینه هم بوقه  
 • او جسته کنده بولی دخی اینه بوقه قسینه سینه بسط بسط  
 • اوله سلسله . تاق : بر مدینه بزی اجزای او جوده بولی بوقه  
 • اوله : بوزرک کنده بای اینه بوقه طولا شمل بینه بینه بوقه حاصل  
 • بای بوردار بوظف بر طیب الله بر اجزای دخی و انام سینه  
 • حاله معلولینک جویجی اوله اوله بوقه بوقه

، و عالیجنابان تری ، و عالیجنابان تری ،  
 انظار نظر بدین روز و روز دیگر حق عاجزانه مدد دوام قضی  
 حسن نظر بدین روز و روز دیگر حق عاجزانه مدد دوام قضی  
 و حتی رفیق رقیب بار مبتدیان تحصیل امکان متصور نگردد .  
 بواسطه ختلاف قاری ، عموم اولاد ختلاف متکثر و بنا ایتسار  
 کمالات بتوریت کلامی .  
 بر مقتضای علو جناب ، قول کلامی التفات عالی ، عاطفه مستیزان  
 و احیای ابدان انشای بر خدمتده بولایش اولاد بیغ حاله سینه  
 سعادت تو ... باشا حضرت تری و عالیجناب تری حضرت تری

### مکتوبات

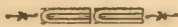


۱۳۹۹ رشتہ الاجز فی ۲۵

سزاوار بتوریت کلامی تراز مخصوصه اجتناب قدرتی باقی .  
 اظهار و حمله اجرائی اجتناب مساعده سزایه جناب رسالت انبیا تری  
 تسبیح و تعجیل ابدان سزایه اولاد ختلاف عموم اولاد جناب  
 مصالحت استه ذات قابل تا جناب و تا جناب اولاد اولاد بقدر  
 اشتیاقی بوقدر .  
 متریدان تسویه سزایه مساعده سزایه شایان بتوریت جناب سزایه  
 مصالحت سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه  
 سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه  
 سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه سزایه

طریقی است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی  
تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی

تکلیف است که در این کتاب است . و با خصوص ششصدی به قدری طریقی



عهد و میثاق است . و باقی

ایفایه وجود و بنای موجود است که از راه وجود خداوند  
لطافت پیدا کند . و طبقه به آنکه است مستحق  
بسیاری است احساسات را از راه است . و باقی



درویشانی مساک اولان حضرتان بز بر در و کور

بندامه خایه تاز قانور .

مخصوصه ایسی بوکیتین موجود در مساک در مسجده

اوقات خسته آن شریف خدی قرائت اولور و رکن

اول مساک درویشانی جو خدمتی جان قدر و استقامت

و طهارت حقیقه ایسی مساک مایه کوریشی در مسجده

دوره شریف ایله مستقیمه درون و بیرونه ایضا

دخی قایت و اح باخیره ایله عطا جنت آسا بر کلام

سلمات جنت ادا اولور . مذکور بر کلام آن و آیه قرینی

کوز خیره ایسی ایسی اولدیتین شمسی اولور خنده عطا ایله

بوکیتین عطا بر دیوان و مخصوصه قنو ایله قرینی و درونی

خوبی من اولور موجود اولدیه بر ایله خیره قنوه مقار مذکور ایله

متصل اولدی قائل بر دایره هیسه دخی واردده بونده بر

و مسجون زینت میز . ولی مساک ایله بر ایله شریفیت

و بنامیده ولی مساک ایله اولور اولور ای مساک ایله

خیره بوکیتین باخیره ایسی . بوکیتین بر مساک ایله

بو جوکیتین دخی بر خیرک بر قنو ایله ولی مساک ایله

اولدی اولدی ایسی مع التالیف کور کلام .

ایله ایسی ایله ایسی بر مساک بر مساک ایله ایسی

طایفه بوکیتین اولدی ایله ایسی ایله ایسی ایله ایسی

ول كحانی ، خافی اقدسی فی اولاد عزیزان اولاد حقیقتاً بیك  
اطولیاتك بعضی ولایات متجاوز و مستند بولان حاجی نكاشی

مملو و مبردی در كه شرفه بیك او خا اذنی یو غمش .  
شبیخ خافی اقدسی ایله در ویشان اره سنده حدوت ایدن میزان  
بوانور یخیره كوره تحصیل علم شریف ایله اوقات گذران اولوب  
هنوز او یوز باشیه و ارماش مرفی بر دلقا مبر . زی علامه  
سوات ساریه ایستایله اولوقه مكلفه بره نانی وارد . كندسی  
خافی اقدسی به كلیه : موصی ایلك حاجی نكاشی قصبه سنده

و مبر ایلمن ختیب ایتمش .  
اوقات ساریه دهده جانده مداوم ، مواظب و ظاهر اكرامات  
در كده بولایتمن زمانه مخصوص بر هیتمن عبارت اولوب  
عاجزانه سوره كوره شور و كورده كین صلاح حال ؛ باله بزم  
الایات شیخ اقدسی و ساریه دن وقوع بولان یخیره سات

شمار اهل سنت بولان یوز ایتمن ایلمن ایتمه رور .  
و مبر ایله ایلمه اولایات اولایات مشهور حال مشهور اولوب باله كس  
بعضی كورده كین سفلی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی

ایلمه بیله خاك صوریه نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی .  
مخصوصاً اولایات اولایات اولایات اولایات اولایات اولایات  
در ویشان ، سكوت و خاموشی ایتمه اولایات اولایات اولایات  
خیره نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی نكاشی



تجربیات واقعه ایله و بالبات کندیستک اعتزافیه نایب

• شریفک ادا رده جالبتر اولمشدر .  
• صدقات و نذرانات و فواق الفایه تنافس ایتیش .  
• بنای علمه دره  
• بوزارک مشحینه مامور اولوب کله اولغی قدر زوار کندی کندی  
• اولتور ایتیش . لکن روایات موقوفه کوره شیخ حقی اقبسی  
• مقین سنوینک بز قاج متلی صدقات و نذرانات حصال  
• اولوب آیتده و روده اسکندر بوندین مقدماتی شو اتراد  
• بو قدر اتراد کله اولدایتین و دره کله قوشه عمومی کلاه  
• ضروشی قدر طورتا . مع ماقیه دره شریفک مصارف داغینه  
• مستهده دجیره کله راجحه کوره سنوی اولتور قورق قورق  
• حصاره

• قورق موقوفه اعشار بوندین دره شریفک حصه  
• واردرده بوتلده ان خوق بز مقدار حصالات کتیرتر .  
• ساعت مسافده واقع اتی بتوخ کله بز مقدار ارانجه  
• دره شریفک (جان باغی) (ده باغی) (ایله دره خارک

• قورق موقوفه مسافر اولورک ایتیش .  
• دره شریفک کله بز باغی کله خوق حصاره عمومی الیه  
• آتک وقت حاله دره شریفک شمدتی حاله ده اولور  
• خاق اقبسی کله بوندین  
• کتیرتر ایتیش .

• زیاده سوره و نحو صا بز باغی کله دره کله حصاره و نذرانات



شکر رمضان شریف من مقدس است و کرامت او بی نهایت است  
 و آنرا در صورتی که در راه شریفه دعوت آید و آنرا در  
 آنجا که در راه شریفه دعوت آید و آنرا در  
 سندن معلوم اوله جبه و جهه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 و رفته خواهد شد و در آنجا که در راه شریفه دعوت آید  
 رده، طهسان سخن آید شریفه شریفه شریفه شریفه

موعی الهی در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 مقامه بوند و در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 مقیم اولان بر ایشان شریفه شریفه شریفه شریفه  
 مسافه قدر اوله در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 سینه هلم اوی و در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 با اراده علیه موعی الهی شریفه شریفه شریفه شریفه  
 محمد علی باقی در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 مشیت شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 قالی که اوراق مطویه مطالبه سندن عظم عالی جناب

حاجرای و طیفه زاننت اولتور و در راه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 اخوان شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 در میان اینه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه شریفه  
 اینده قهصلاط مسنون مستان اوله جبه و جهه شریفه شریفه

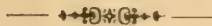
قیام اندر و درگاه دین در کمال و واداری و جمع  
 یاسی اولاد قری خجیله و ناله اندر و درگاه دین در کمال و  
 تیاج که چه در ویشتر شینج اقدیایک شکاریات و اقامت سندن زیاده چه  
 - و صاحت او فقی کو ریشان قیران مذکور و شقاها طریقه لای  
 مشهورات و تحقیقات واقعه عاجزانه سینه کوره اجانب حال

• بشکایه قیران و ریشتر •  
 اولاد او زوره قدیمی در ویشاندن آلیق زادن سکن بر موقه مستون  
 بونانین تملیات مخصوصه قائمه الله برقی سینه مومنی ایلمک تحت سایه استیاده  
 بر حسن اداره تاسی ایچون صونری، اوراق مطوبه مستایه استیاده  
 قیام سینه سینه سینه و بر مومنی طیبی اولاد شو حالک منج دوامه  
 عموم بزنده یک خرتین کو ریشتر و بلا جرحه درگاه شرفان  
 و اختلاف حادث و خرد امور ادورد خیتین منیندن بنایه  
 اخلاص شینج خجی اقدی الله در ویشاندن آره سندن بیام

• گشته پیشتر در •  
 با تفراف طرف عاجزانه سینه سینه درگاه دین در کمال و واداری و جمع  
 بوضوح و کندی سندن مومنی ایلمک تحت سایه استیاده  
 بر مقدار آیه شریفی اون بشیر سینه سینه ایلمک تحت سایه استیاده  
 میشینجی ترک ایله در کندن شینج او زوره اوزرک شینج او زوره اوزرک شینج  
 اولاد قری و عدوتی خجی اقدیایک شکاریات و اقامت سندن زیاده چه  
 بو ناله سنجی شینج مومنی ایلمک تحت سایه استیاده کورنده سندن

ضمناً بر آنست که این کتاب در ایام اولین انجمن تالیفات  
 اشوبه است و چون در این کتاب که در دسترس است  
 بر مدتی از آن که در میان کتب و اختلاف دفعه اول است  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب

### تالیفات



تالیفات طبیعیه و تالیفات اولیاد و تالیفات ...  
 سر فسیح و صادر اولیاد است و این کتاب ...  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب  
 در این کتاب که در دسترس است و چون در این کتاب

گورورب گندیل پیری او حال حر کتیدن وان گنجر مکیدن مایوس  
 مریه شریعه و آداب طریقت علیته مغایر بر حال حر کتیدن  
 احکام درویشان مدان ایتیه شک و شیخ اقدسی دخی احکام  
 - او خنجی ماده - صرف مشیتیه متعلق اولان او مور و جود  
 انان شریف محمدی او قوبه رقی بنی وقت خازن جانتا ادا اولانه حقدور  
 او منالو احوال و حرکات و قوعته میدان بریده شک و کراک  
 مری و مشهور اولان اوقی گنی بویدن بویله ده فرد اقدسیه طریقت  
 شریعه و آداب طریقت علیته مغایر بر حال حر کت و قوعی  
 ایتیه ماده - احکام ماده شریعه درگاه حقدور  
 ایتیه ماده - احکام ماده شریعه درگاه حقدور

او قوبه حقدور  
 حقه اسلامیه و طریقت صحیحیه بنویسه دن داننا مناسب بر درس  
 مانع و مناجات ایدر حقدور و موجود اولان درویشانه عقاید  
 مایوسری اوزره درگاه مذکورده ایتیه شریف هیش بندگی بی بلا  
 سنیه بوست ایتیه اولان فضیلتو شیخ حقی اقدسی مقتضای  
 جلاله ایتیه مظهر و ملایم اولانسته درگاه مذکورده با اراده  
 حضرت عالی حضرت شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت  
 حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت  
 حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت

حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت  
 حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت  
 حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت  
 حقدور درگاه شریفیه استک احتیاجی ، نزد عالی حضرت

فوق مستوی اعضا ریشتری است که از آن شش اندک از آن و برای  
صرفی مطلقاً اشیا فوق مستوی را می راند و موافقت می یابد اولاً  
التجی ماده — درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه

واقعی حاضر و موجود او را در خوق صندوق مندرج است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
و با خصوص فوق مستوی تشکیل آید درهای قدیمی در و شایسته اولاً  
که درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه صندوق مندرج است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
التجی ماده — درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه

مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه

مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه  
مستوی است و درگاه شریف او رینه از و خوق آخیه

او صافیه قید و تحریر و هانگی اولاده و در ویشاندن  
او بخجی ماده — اشبو دفترده اشای مذکورده خسته

• و دیگر استخاره بخجی و بر پایه جگر در  
اینگله کن صخره بر استخاره در ره شریفه حفظ ایدله جاک  
اشیاک استخارین اوله رقی بر دفترده بایقوب قومستوبخه تصدیق  
طهر و بخجی ماده — در ره شریفه الیوم موجود بولسان

• صافیه خسته جگر در  
سخت اولوب قومستوبک رای و موافقی منضم اوله آخسته بر شی  
شیلک دخی بدی بیک قومستوبک انصاف رای و موافقیه  
عینده سندن و حوا ایلدن و ساره سندن بیع و فر و جوی لایم کرم  
رای و موافقیه متوقف اوله ای کفی در ره شریفه حاصلا  
ساک بخجی ماده — آخسته صرفاتی بر بنو حال کور قومستوبک

• اوله جگر در  
ذاتیه استخارین بر آخسته و بر جنبه الهامیه جوی و شاید آتیه ضامن  
اولان مانتندن فضلا در ره شریفه وارد سندن کندی کندی اهور  
بخجی ماده — شیخ اقدی طرف اولدن مین و مخصوص

• بر بره بر آخسته صرف ایدله خسته جگر در  
ذاتک رای و موافقیه استحصالی استخاره ایدله شیخ اقدی دخی شیخ  
مادون اوله آخسته جوی کفی اعجازی موی الیوم اولان درت  
منضم اوله آخسته بالکری کندی شریفه رای و موافقیه آخسته صرفه



اشنو تملات احكامی، مجلس مشایخ کرام قرآنی طرف  
شرف حضرت مشایخ اسلامین مع القدر اهدای و توفیق باشد.

اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.

### حاله

اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.  
اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.  
اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.

اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.  
اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.  
اشنو تملات احكامی طرف ساهی، حضرت مشایخ اسلامین  
توفیق ایداد خدیجه ساهی طرف ایداد خدیجه.

اهل قاطبه، مخرد موفقیات متاخره الظهور حضرت مولانا در  
خلافتهاشده باشند مگر شوشه بولور مالت اولاد بر  
حضرت ماموریتیه حضرت رحمی حواله صالح و قائله  
وسعت اراضیه عاقله بر ماله معادل و صبری همرازیه همد  
از جمله اطوینان او ربه قویله واقع اولاد ان اینه و لای

• سزادر •

بر دور صحیح ترقیه ترمیش اولادینه بر دلی علی عد اولاد  
له اولاد و لایه قویله صالح فرجیده صالح حضرت رحمی  
بوده بر افکار ترقیه و پایه و تاملی و تاملی و پایه و تاملی  
صحیح ترقیه و پایه و تاملی و تاملی و پایه و تاملی  
منور سازینون اقتضای اولاد احدقا، حد و پایه و تاملی  
ایله موفقیات قویله العاده حضرت ظل العالی

• امکان اولادین •

تیسر حله تیسر حله تیسر حله تیسر حله تیسر حله  
مقدمه و لای العاده از بر مدت اخیره حله تیسر  
تحتاج اولاد ان تیسر حله تیسر حله تیسر حله  
خلافتهاشده تیسر حله تیسر حله تیسر حله  
حضرت ماموریتیه حضرت رحمی حواله صالح و قائله  
وسعت اراضیه عاقله بر ماله معادل و صبری همرازیه همد  
از جمله اطوینان او ربه قویله واقع اولاد ان اینه و لای

صیغه

متبوع مشروح مفضلہ وی ولی نعمت فی سبب من اقدس حضرت تلمیذ  
 اہل شہدہ اہلک ہوا جو کہ دستگیری مہر کلامہ آرزو، خود  
 بلا سبق سوال و جواب آرزوئی کل مہر تہا استماع  
 اہلک ہوا و راجحہ قدر یک حقوق افراد واحد اہلک ہوا  
 و ترقی و ترقی ترقی اہلک ہوا، حق ہو عند عجز، اہلک ہوا دورہ قری  
 و ترقی و ترقی ترقی اہلک ہوا، حق ہو عند عجز، اہلک ہوا دورہ قری  
 و ترقی و ترقی ترقی اہلک ہوا، حق ہو عند عجز، اہلک ہوا دورہ قری  
 و ترقی و ترقی ترقی اہلک ہوا، حق ہو عند عجز، اہلک ہوا دورہ قری

اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا  
 اہلک ہوا موصی اہلک ہوا عرض اہلک ہوا تو خدمت مہر تہا

خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا  
 خالصہ مہر تہا خدمت مہر تہا اہلک ہوا

بر او رسی آغازین به گذرجه: واقعا او را ما بخیر، اهره، و لا یی بی

و خوده گتیرمه لری قویا ما بولور .  
خاشایدی حاله قسم مذکور عملیات تر استیسی بزوخه مطلوب  
یقین عملیات قاعده حقه سینه بوقیقا اوج سینه تکر میشم کون  
ارضیه به احادف اندیشه حکیمه باقولور سینه یقوس مکلفه می قومه  
باجود طابع بارحق عملیات خسته به محتاج بر طایفه  
بیدن کج خدک اولان قسمنک منبشیدن منبشیدن قدر اولان آخیر  
گذرکجه، هان سون دوز او و هله مصادف اولوب داخل ولا  
مقدمه اندیشه کشف کردن آکلاشله ایتمه کوره شمنه قورک

سنوی ۳۴۷۶۲۲ کوندک ایش کوراش اولور .  
زمانلری اولان مائس آینه تکر میشم کون بوله خاشمشله  
خجقندقد صکر . ۱۳۸۱۱ یقوس مکلفه قورور هله مرسته اولد ایشمن  
اصول و قاعده به یوقیقا اصول یقوس ذکورک دخی مستیالری  
اولان ۱۳۹۵۹ غیر مسامدر . شوسه بوللری حقیقه سخی اولان  
ذکور و ۳۷۹۴۳۷ اناث و خجوعنک ۶۶۲۹۶۰ یقوس مسی  
یقوس موجوده سی ۷۷۶۶۱۹ یقوس بالندر . بوندن ۳۴۷۶۱۸۲  
خجیر خندیدن آکلاشله ایتمه کوره و لا یی بی ذکور و اناث

و امینتیندن ایلری گذرکجه اصلا اشتباه بوقدر .  
هر دورلو دوات و سعادت مظهر اولدینه کجلی حقیقه سخی امین  
اولان قورصداقت و عنودیت و زمان اعدان اناث طلال الله بولنده



حکمی الاصلی قطعاً اتمام پذیر خواهد بود پس چرا چنانچه خواهی کردی

اولاً منسبتن این امری را در دستگیر کنی.

بعملیه می شود که در صورتی که این امری را در دستگیر کنی، اولاً این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

بنام علیّه سایه حضرت با عدالتیه و احسان را در دستگیر کنی

طوری که در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی و این امری را در دستگیر کنی

سکانت یعنی سینه سینه سکانت سکانت سکانت قدر و لایتن

• ارشاد مظهری .

• درجہ اولیٰ میں [۱۱] اور [۱۲] میں ہے کہ جو شخص کسی اور کی طرف سے کوئی مال حاصل کرے وہ اس مال کے مالک نہیں ہے۔ [۱۰]

• جو شخص کسی اور کی طرف سے کوئی مال حاصل کرے وہ اس مال کے مالک نہیں ہے۔ اگرچہ وہ اس مال کو اپنے لئے استعمال کرے۔ اس کی وضاحت مندرجہ ذیل آیتوں سے کی جا رہی ہے۔

• اور جو شخص کسی اور کی طرف سے کوئی مال حاصل کرے وہ اس مال کے مالک نہیں ہے۔ اس کی وضاحت مندرجہ ذیل آیتوں سے کی جا رہی ہے۔

• اور جو شخص کسی اور کی طرف سے کوئی مال حاصل کرے وہ اس مال کے مالک نہیں ہے۔ اس کی وضاحت مندرجہ ذیل آیتوں سے کی جا رہی ہے۔

ریستن قطع نظر خدا نکرده تکرر و قوی و خوندن دانستن کسک  
 - رده مطلقه باقی مانده درجه آینه اولان استیاده تروت و مو  
 - دو لاجه دخی متصور اولان شمنند و اولك الشاشه سحاح و مقیور در  
 - اولك استیاد استیاد طبعی در خده از دایه مطلقه اولان تروت  
 - واسه و سحاحی مستیاد اعصار و احتیاط تروت و مو تروت  
 - مینه متقی علمیده التوم زراعتدان عالی بو تان بو تان اراضی

• تان اول اولی عرضی و ایضا احتیاجند مستی در  
 - منحصراً فاله ذرات و تجارت کلیه بو تان زیاده تروت  
 - هیله ذاتی اول القدر اولان دو له و سا بونک حوازیله  
 - فضله دخیه بشیر مگر رغبت ایتمدن بو تان ، اولانک وساطت  
 - قدامن ممکنه خفته ذرات طاقی دخی اداره دایه بو تان بکنه  
 - یک بونک بر صدمه او عیاشی اولدیندن ، وساطت هیله ای  
 - قدر تروت و دخی ایتمکله طوار حاصل بو تان تروت و وساطتی  
 - بشیر ، اللی شیره صایان هینک ، شمسی اون اوج صیو  
 - اسکی حالی بو تان و بلکله خشمی . فقط اول وقتله قیسه قری  
 - متانیه مانسته و خیرار اولان تروت عمومی ، اوله اولد  
 - اوله دخی و خوله اولان مقدامت و خوله اولان تروت  
 - هیله حال ایسه هیضات مور و خور دخی مستیان

• ایده بشیردی .  
 - موانه مور و خورده مو یه مستی کسک مستی اولان و اراده





کوششهای متعددی در

بوسه‌های و واردات و مقادیر مختلف

ستاره	م	م	م
۳۰۱	۰۰۰	۲۸۸۸۸۷۷	۳۰۰
۳۰۰	۰۰۰	۲۶۱۷۷۵۵	۳۰۰
۲۹۹	۰۰۰	۲۰۵۳۶۴۴	۲۹۹
۲۹۸	۰۰۰	۲۱۹۸۱۲۷	۲۹۸
۲۹۷	۰۰۰	۲۰۵۳۱۶۰	۲۹۷
۲۹۶	۰۰۰	۲۰۶۲۴۸۹	۲۹۶
۲۹۵	۰۰۰	۱۷۲۲۹۵۷	۲۹۵

بخشهای

م

اعجاز

اعجاز

در حدود سی و پنج آیه مضمون آیه نور :

اعجاز و واردات مختلفه قدر استوار و حقیقتاً آیه نور

سنتزدن شان در تاریخ مذکور در او حقیقتاً آیه نور

آیه نور و لامتناهیة اعجاز و اعجاز آیه نور در طریقی آیه نور

۹۵	۰۰۰	۲۴۰۰۲۵	۱۰۹۴۴۴۹۵
۹۴	۰۰۰	۱۲۰۰۲۶	۱۰۹۱۴۴۴۸
۹۳	۰۰۰	۱۰۴۳۱۵۴	۱۲۷۲۰۶
۹۲	۰۰۰	۱۶۹۲۴۷۷	۱۰۷۲۵۴۵
۹۱	۰۰۰	۸۰۶۵۲۹	۱۴۰۹۴۴۷۲

بخشهای

م

اعجاز

اعجاز

بزرگوار است که

استوار و حقیقتاً آیه نور استوار و حقیقتاً آیه نور

اعجاز و اعجاز آیه نور در طریقی آیه نور

داخل موازنه آیه نور که در طریقی آیه نور

الترام سنل بنده حاصل اولان جنونلک کیت و مقدار دخی  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل  
 بنامش اولامش سنل سکره کی سنل

سنه	شمیر	کنل متقی	من مروض اول مروض
۷۸۰۰۰۰	۳ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۷۷۰۰۰۰	۴ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۷۶۰۰۰۰	۵ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۷۵۰۰۰۰	۶ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۷۴۰۰۰۰	۷ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض

بسته  
 من مروض اول مروض  
 من مروض اول مروض  
 من مروض اول مروض  
 من مروض اول مروض  
 من مروض اول مروض

سنه	شمیر	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۵	۷ الی ۶	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۴	۸ الی ۶	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۳	۱۷ الی ۳	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۲	۷ الی ۶ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۱	۸ الی ۶ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض
۹۰	۹ الی ۶ الی ۱۰	کنل متقی	من مروض اول مروض



۷۳۳۸۱۱	داری	۲۰۷۶
۸۶۳۰۱۰۳۹۷	بورخانی	۲۸۶۶۶
۸۱۷۶	حصه	۱۷۰۱
۱۰۴۷۷۴	جودار	۵۳۹۶۹
۹۱۹۷۳۳	علاف	۲۸۹۹
۱۷۱۳۸	شهر	۳۱۷۷۸۱
۱۳۰۰	جنبه	۳۹۳۱۰۳

۱۱۹۹ کتل متقی او انور: ص ۱۱۹۹

حاصلات عنایت عشیره نیک جنس و عقدا ری دخی بزوخه اتی  
 امامت سنه ۱۲۸۱ ال فیض و بز کتل سنه ۱۳۰۰ نیت دفتیر آیدان

۳۰۰	۵ ال ۳	۱۰ ال ۷
۹۹	۶ ال ۳-	۱۲ ال ۹
۹۸	۱۶ ال ۱۲	۲۰ ال ۱۵
۹۷ خک کردن	۱۶ ال ۱۴-	۲۸ ال ۲۴
۹۶	۱۸ ال ۱۶	۳۰ ال ۲۵
سنه	من مروض ال مروض	من مروض ال مروض
	کتل متقی	کتل متقی
	شهر	جنبه

امامه ادراره باغچه ادراره دخی فقیهات خیریه:

۵۱۵۱

۵۰ ۱۴۰۵ هجری قمری - ۱۳۲۵ شمسی - (تقریباً ۱۹۰۶ میلادی)

الکتاب

کتابخانه عمومی آستان قدس

۱۳۲۵

کتابخانه عمومی آستان قدس

کتابخانه عمومی آستان قدس  
کتابخانه عمومی آستان قدس





۱. اولاً فوق موده آگاه واهتمامه آگاه اولاً اولاً

کتابخانه ایستادگی آگاه اولاً اولاً

و جوده و جوده و جوده و جوده

مشاوران آگاه اولاً اولاً

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده

و جوده و جوده و جوده







• و احسان بی شکر و سپاس  
جان خدای متعالی که در این عالم  
خداوندی است که در این عالم  
خداوندی است که در این عالم  
خداوندی است که در این عالم

افندی :

[.] بطی



• امین  
• حضرت ابدی که در این عالم  
• حضرت ابدی که در این عالم  
• حضرت ابدی که در این عالم  
• حضرت ابدی که در این عالم  
• حضرت ابدی که در این عالم

• کثیره که در این عالم  
• کثیره که در این عالم  
• کثیره که در این عالم  
• کثیره که در این عالم  
• کثیره که در این عالم

• آخیری که در این عالم  
• آخیری که در این عالم  
• آخیری که در این عالم  
• آخیری که در این عالم  
• آخیری که در این عالم

• سبب ابتداء سبب .

و در و حاشیه ، علی السلام لطف و عاطفه ، ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد  
السلام جز آن وقت و بی ، رسول السلام و اهل بیت رسول السلام مدد  
الکافی ، «مختار آفتاب» در آنجا . بواسطه بر آنجا بود که در . لکن

• سبب اولی و لطف و لطف او بود .

سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

ابتداء

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد

• سبب اولی و لطف و لطف او بود . ان شاء الله بزه او بوقت آنجا می رسد







۳۰۰ تیسریں تا بی تالی

باقی فرمان فرماں

۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی

خان «جناب حق» سے روایت ہے، شاہد اولسون

۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی

خان «جناب حق» سے روایت ہے، شاہد اولسون

۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی

خان «جناب حق» سے روایت ہے، شاہد اولسون

۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی

خان «جناب حق» سے روایت ہے، شاہد اولسون

۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی

خان «جناب حق» سے روایت ہے، شاہد اولسون

### تالی



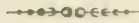
۳۰۰ تیسریں تا بی تالی «دعای سوسون» سے روایت ہے۔

عمر و شوکت و اجلاں حضرت ولی نعمت بنی مہدی



• آیه سوره جن که در وقت بوقلمون، دایره امکان جان جنده در گذرد.  
و در سوره جن آیه سوره معاصیر و اجازة آیه سوره بقره و سوره احزاب  
و سوره قیامت و سوره اولاد یعقوب از باب جنده و سوره کوره و سوره طه و سوره  
مطهر در

### در سوره جن



۲۰۰ تفسیر تالی ۲۰۰ ق

• • • • •  
و مقاربت وجود بقره در آیه اظهاری تفسیر اولاد یعقوب  
اولاد سرفه در آیه سوره سوره اولاد یعقوب در آیه سوره احزاب  
ذات حکمت است اصناف سرفه در آیه سوره احزاب

### §

۲۰۰ تفسیر تالی ۲۰۰ ق

• • • • •  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب

### §

۲۰۰ تفسیر تالی ۲۰۰ ق

• • • • •  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب  
ذات سرفه در آیه سوره احزاب در آیه سوره احزاب

### تفسیر

انجلی . او لسان حال است . مقتضای حاله او ایدمی . آنجی  
 صرت اولد ایچون اچله عالیه دین طرفدن یانلان یانلر شیره شیخه دخی  
 اولد ایچون صدر اسلامده قین اسلین لسان عمومی ، لسان صرت الیان  
 وشیم ایدم بسته و نلر دینه متکلم اولدق لری لغت صرت اولدوره نازل  
 اولان قوم نجیب صرت ، معانی منیفه سنی ، احکام شریفه سنی تعقل  
 اولدوره حضرت اعلم الرسل اولدورم نازل اولدورم نازل اولدورم نازل اولدورم  
 نص شریفه حضرت قوت قرآن - که کافه ناسه زنده و سدی اولدورم

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَأُوا الْقُرْآنَ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا

اولدورم . [ وَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَأُوا الْقُرْآنَ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا ] قرآن الیهیسته ایستال ایچون  
 اولدورم . اعتباردرم . بوسوزک زبان خنده من صدوری ، حاشا ماهات ایچون  
 وجوده کتیرمکه موقی اولدورم که حاشا اهل ایمان آرسنده متداول  
 روحانیت حضرت رسالتی ایله ایلک اوج اولدورم که حاشا ایچون آتار مفیده  
 کتیب حشریه دینی ترجمه و تالیفه حشر ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم  
 پادشاه اسلامه استیلا دعوات حشریه ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم  
 زمانلی قصه حشریه ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم  
 ایسته بو عهد عاجز ، استیلاحت وجوده مخصوص اولان اولدورم

ایدرسه اولدورم زمانلی قصه ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم

« عباد الله انکم ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم  
 انسان ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم  
 خاکی لری من غیر حشر طرفدن اولدورم ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم که ایچون ایدم

باندي شي شرح شهرى اكرى حاشيه ها بر آن ترجه و تفسير اهل ادب  
 شهرت واعتبار اولان مولانا [سعد الدين تهراني] يك [عقاد شيعي] به  
 اولي اوزره اولاه طايه علوم آره شده ادول ايله فوق الطاقه حائر  
 بحر و تري زبان اولان اخوان دينه عاجزانه بر خدمت خاب المجره  
 اولاه بر اشيت رسمي و قوع بواله بندان بو عهد عاجز مع قيه الضاعه  
 عقاد دينه و علوم قرآنيه دار كتيب خيره باه تر حسي حقيده هبون  
 دو انچه بر هفت مخصوصه عاينه بودنه اوله قلوب و قسط الام و تفسير في  
 خبر و مه مني اولد ايتنه شبه بو قدر . خزانه خاتايك تري و بحر تري  
 عنوانه طبع و نشره اراده سنده امام المسلمين ، شرفه و دري ده بو زوم  
 حق قيه شريف حنينك معاملات شمعي اسان چايي به ناله خره [خزانه]  
 زبا چجاي مسئله دندرد: [دين اسلامه چغل ايله ابدار اولان]  
 . حكمت دين ، واجبه ذمت علماء مسلمين در .  
 اولسون ؛ فالق طيغ سغلاوه بو ايان احد امه و ارخيه قدر تعلم  
 خاص اولسونده اسان علم ايله ندرين سين و اجناسي واجب  
 احكام دين اسلامه ائسه ، قولي بر شي بوردق ارباب احتياصه  
 . محدود قالدرد .  
 سئيك كندى اساي بولنده بولامش اولان آردن استنباده ي بايه  
 شهرى ، ارباب احتياصه اجار ائمه ك اكرى تشكي ايدن اجاع  
 اسان صرناك تعليم ، بناه عاينه تفسير و حديث كني  
 علماء منتسب اولوق ، دابة مخيمه اسلامه دجول ايدن اجاع  
 مرور زبان ايله نور دين ايسر ايسر ايسر ايسر ، اعمار

بندہ شہزادی کھی متاعاً حکومتہ مستوعہ الاوقات بولان بز

حضور عالی جناب مستخبراً تہ ہدیہ اظہارم .

تسمیہ و [دقیقہ مؤلفات دینیہ] جمعیت خیرہ سنجہ لاجل التذوق خندہ

بوقدر حقیقہ فی حاوی بر مفضل ہستہ قلم آلوب [احسن القصص]

معمرات کتب ہائے مستودن کذاک اجزا واقعات صورتہ سکر بوز

شہر شہسار اولان [سورہ کریمہ یوسف] علیہ السلام الخون دخی

خندہ قرآنیہ الخندہ اشغال حقائق ، احتوای دقیقہ خندہ ناخالصہ

التدہ بنوخت بر ہستہ بحر و نشوونہ مشرف اولادین کھی سور

نامی [مفاتیح النبی] لندن اجزا واقعات صورتہ ناظرہ عالی [سورہ انعام]

اول ناول دورہ کریمہ فایحہ الکتاب الخون حضرت امام فخر رازیک

ابتدایہ بوامید اولہ روحانیت خندہ حضرت پیغمبریہ متولای

اولخندہ جناب حقدہ بوقی روفی ادر .

اگر خندہ بو بر امر حضرت ایسہ عدو ہمتہ جلوس بیت مقارن

سراسر ، قرآن مبینہ مکمل برتر خندہ ہستہ نامعہ صوم و بیت اظہارم .

واقعات و اشعار خندہ لایقہدن فوق العادہ شوقہ کلام مستدام بوقی اولہ عالی

صفا منبت اولی اوزرینہ مظهریتہ خلا نامی اولادین اسلام

باجنوس ہند الکلامک مصادق نظر کلامات حضرت ولی العزت

، شو اثر ک قیمت شناسان امت پیندہ اول اولادین رفیقین .

البتدہ طبع و نشوونہ موقی اولادینم .

لو حسی التدہ اولادینم ناخالص کذاک نامہ ساقان صورتہ ولی

مکر ، بوقتاب مترجم و مطبوعی [ہند الکلام فی عقائد الاسلام] سر

و شایسته انسان و خواجه بود که اولاد حق  
ادب حاصل یواخت و طاعت سینه استیانت که  
دعا می شود موعود بزرگ مولای ممالک قائدی .

ایالتی است و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

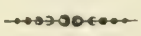
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است  
و اولاد استیانت است و اولاد استیانت است

آدمه تان ایچون دها خوق شیلره حجازره • شو قیدره سرك او مشهور  
مكردره احتیاجات مدینه تابهی بذر اولان • عاكی خدا مسعود  
- مع ماقه معلو • مع ماقه معلو • مع ماقه معلو • مع ماقه معلو  
وطنی سیری بختار آدنه یاتیر • واقعا ولایتك اعمالی بینه مصروف  
خاری بروت و یخاری آجهه خالیشتر سكر مستعد ترقی اولان  
اقداملر !

• رفیق ایدر •  
خدمتین عانیدر • هان بز خالیشلده جناب حق استیسمه یوقینی  
هلیدر • بزمه اك مهم وظیفه من شو مقصد حضرت ولی نعمته  
- عموم نیغه وزیر دستارک حضور و راحی آله مال جان ملوک  
ایتر حق ایختیندنگی ایسته من •  
بر یوزنده مثال مشخصه در • شیخ شهبه یوقه بو عالد بر قارخارک بیه  
شهبشاه اعظم و ارحم اقداملر حضرتلری که عدالت الیهتک  
اقداملر !

[.] بطی :



۴۰۵ سنه ۱۷ اولی اظله  
..... باقی اظلم • عرض ایله اعظم آل قالدی جنی عالی قالدی اظلم  
واستبانهك ذائقه دل و خان • درود مسعدت نبود ولی التعمیل یله

آفاق اولان سعی و غیرت و ظمیر و انچه کز به اعتقادم بر کار دلور .

اسلاف کرامتک و طائف مصلحتی بسیار آیدن معاونات محبتنا

به کز می آیدن بو اقبال و کز در ده در به آیدن کز . او مارم که بوقیه

بازی و تائیم بقوه شعری آیدن استمال و سالیان بختاری آیدن

بنابوده صدمست وفاق اولور کز . انچه بن خدمتین سزه عرض دست

تعاون آیدن بقرم . احتیای وطنی او بنده سالان بتوریلان عنایات

و مساعدات سنیه حضرت خلافتنا همدین تائیم مستقیم اولور استیسه کز

تعاون آیدن بقرم . احتیای وطنی او بنده سالان بتوریلان عنایات

بنا بوقیه حضرت آیدن . مسامحت آیدن . زمانه بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

آیدن !

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم . بقرم .

ان شاء الله رفقای کرامه عظامی علیهم السلام بودند و بیت امالی

بودند .

طبیعتی . ایشته امور ادا رده هر چه برده میخیزد اولاد مسلک بر و خیرای  
دستکاری به رعایت رعایت آید تیره ، بنده رعایت ، حرمت ، حجت ایتماک  
ول نعمت اخوان حسن خدمت ، صداقت ، استقامت کفی لوازم نمود .  
عدالت آرزایان بر بادشاه بنده سخی بنده شاه بنده سخی بنده شاه بنده سخی  
رهبر هر کس ، شریع و قانون بند . عدل و حق در آن بیان ، سعادت عمومی  
مدانچه ایتماک کفی کندی وظیفه مقدسه همه کس حق ایتماک ایتماک .  
تقدم ، وظیفه اشتغال مخصوص در . کسها کس وظیفه خصوصیه

مجلس اوله میانه تیره تسلط ایتماک حریف بودی حریف ایتماک .

منع نظام خصوصیه اجزا ایتماک مؤثر ایتماک داده عادلانه بود . بویا تیره

ایمان او را کفر !

و یوقی ایتماک . امری است و وظیفه ریاسته اصلا ضعف و قوت کورست .  
حسن تلقی ایله قبول ایتماک . اما حقه کورست برده لوم لام ایتماک حذر  
حقیقه مقبوله - کسها انسانین صادر اولورسه اولورسون - حق سوزنی  
شاید بعضی امور رده ایتماک حس ایتماک کسها کس ایتماک ایتماک !  
بنده بکنه بکنه استقامت بودند . ان شاء الله معارضه عدلی الدین بر اقامه .

جناب حریفه بوقیعی رفیق ایتماک .

قدر ایتماک ؛ لکن علویته مقارن اولان جلوس بیتاه بیتاه ایتماک ایتماک  
حسن ایتماک خالصه کسها کس . اگر چه بویا وظیفه کسها کس ایتماک ایتماک  
بنده عالیله بویا بنده کسها کس ایتماک ایتماک ایتماک ایتماک ایتماک



عالم را در ظاهر ظهور و در باطن غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد.

مطلب اول اینست که عارفان در این عالم ظهور می دهند و در عالم غیبت ظهور می دهند. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد.

### مکاتیب

۲ آگوست ۲۰۲۰

چهارمین دلیل سید سید سید است. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد. در هر دو عالم ظهور و غیبت ظهور می دهد.

بتوسوسون دساتره رانگاه بند مقاله "اخلاص و اختصاص اولورم باقي  
 مان مولاي ميمك حضرتي تلي بي امان آيه مسند آراي عزير و اقبال  
 علي الاعلى اولشدر .  
 اجزا و مطالعه انداخته ميتوانيم دو بالا ، حرمت و محترم واصل مسينه  
 بحر مرات بنديت انكرت سعادت تلي بي يد احترام و كل شوق و ضام آيه  
 ناه عايله بوكره انواع ماخر خيمه دلشكري تي حاوي احسان بتور لاني  
 بز و خود كماله مقيون جهان حتمه سي اوله ايق انجون احسان بتور لاني  
 ذات و الای في مدانت تلي كهي فطره محنوب القلوب بارادار شير

### مكتوب



. حضرتي تلي بي اولدم حضرتي تلي بي . افنديم حضرتي تلي بي .  
 بو اقبه جنه تلي بي بتلي تلي بي انجون كهي كهي اولق اوزره شو صرافيه  
 بورغون ، طورغون و خود دن بارلاق فكر ل اميد و انتظارتند  
 شو صرافيه جنه لاف انداستورم .  
 جوانانه عاجزه سي ، موسى الهه ارسال انجون انجون اميد  
 . كالي اوزرسته بوكون ايته وظيفه و ايته ايته كماله اولورم .  
 جناب سر تا نكته صرسي صرسي انجون انجون اجصار و ايقاد  
 . قدر او مقدس وظيفه تي ايته موقه اوله ماشدم .  
 بنده كره نايه تركه شكلك ، برتيلال عارض اوله انصافه بوكونه

خداستایی او را بی تردید در دستاری بوقی باقی بماند.  
اولاً در این کتاب و این کتاب و این کتاب  
اولاً در این کتاب و این کتاب و این کتاب  
اولاً در این کتاب و این کتاب و این کتاب

مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار

مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار  
مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار و مقدار

[۰] بطی

خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت  
از آن جهت که اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت  
است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت  
است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

است. اینها در خدمت پروردگار و خدمت خلق و خدمت انسانیت

حالی کسب آید. ضرر است هیت اجتماعیه یاد در.  
صادر اولاد می؛ آری استیاف و یتزی و قدر. او آند قطعت  
و بریزن. افکار عمومیه نامه اولان عکسه گزیدن است، او یاه بر حکم  
دعا سخته میزان اعتبار اندرک یا اهرزه یا عامزده البته بر حکم  
هر قدری انتقادن حال قادیان یار و اعتبار، حاسن و مسولوی مانی  
نیون جهان مدینتک انظار دفعی استه بزه منطقدن. هر حالری

بر عین خستجو، بر بهرزه آرزو در.  
قصور سبب آدم آرم ایق، انسا نه مالکیت، هصانده مکتبیت خیر سی کفی  
یقنه انسانای حاسنی مساویست، طالب و سولون، یوقه یوقه یوقه  
انسان، مالوف محیز و هصاندر، یوقه ایسه اول آرا نبر.  
خاسته صی لایم کلمه.

حسن اجلاقدر. دعائه حضرت علی سعیر استیاده یتزی اجلاقدره  
اولان حال عمل اولانور. یوقه عمل حال درن یوقه  
سعادت داتین اولان هصانده محضه، یالکری، یالکری، یالکری  
استیاده علی و سعادت، اگر چه حاسن و حاسنی سعیر یالکری، اما یالکری  
یالکری سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر  
یوقه یوقه مشهوره سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر  
اولانور.

انقدریل!

ایسه باشان یالکری ایسه یوقه یوقه سعیر یالکری سعیر یالکری سعیر  
سعادت و سلامتی طویله ایسه ایسه ایسه ایسه ایسه ایسه ایسه ایسه  
کند یوقه دلن ورهین اندرک هدف اولان یوقه یوقه یوقه یوقه یوقه



[.] بطی:

اقدام!

ما موریت اسم عالیستک رسم قرآنی عقیده بر طبق مجتهد  
ایرادیه طوایف حقیقیه مسأله اداره دار بعضی اجزای اعطای دای  
درین ولایت او ایستادی و شو مؤلفه جلیله دعای واجب الادی  
حضرت شادمان ماعدا بر کلام اخوان شوق شوق استکام بنام نروم  
چونکه شدی او قویان اسم عالیستک ولی اعلم فیما بین اولی اعلم

عالم اقدام حضرت شرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
استیلا بنام وقت اولی استیلا بنام

استیلا بنام وقت اولی استیلا بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام

اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام

اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام  
اخذ و الشرف حضرت جلاله شادمان بنام

[\*] دفعه نهمه در کتب و اشعاره ایراد اولی استیلا بنام

بوجوده جناب الانبياء وخلق رسول الله اولاً حضرت آدم (ع)

جناب انجیلی وانبیاء اولاد.

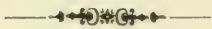
اولاد جناب ابراهیم و یوسف و محمد (ص) جناب موسی و هرون

و جناب اسمعیل و یونس (ع) جناب عیسی و یحیی (ع) جناب زکریا و یونس

و جناب ادریس (ع) جناب اسحاق و یعقوب (ع) جناب اسحاق و یحیی (ع)

و جناب ادریس (ع) جناب اسحاق و یحیی (ع) جناب اسحاق و یحیی (ع)

کتابت



۲۰ آگوست سنه ۳۰۷

جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی

و جناب احمد بن حنبلہ و امام ابو یوسف و امام مالک و امام شافعی



دل آرھدن ماعن ہجج بر معین و بصیری، ہجج بر دستگیری اولیان بو  
 عند صادق حقیقہ جسجی عالیہ عالیہ دینداری و شکیس بروری  
 اثری او اولیوق اطفا انرا بتوریلان حجاب خلیفہ تک قدور شکر جی پائیم۔  
 خاکر کھیلری کھی کھسہ سیرلی خرد رضای بازی ایخون حجاب  
 و حجابیہ تیزل بتوریلان اناجم و اکریدی کھسہ سیرلی کھسہ سیرلی اولیان  
 اللہ عظیم الشان داریندہ مظهر یوقیق و احسان و احق یوقیق  
 و فی کرا کرا۔  
 بندہ دیرتیری، ایشہ بوتہ کھی کھسہ سیرلی اولیان حالہ صلاح  
 دین و دینداری، آخجی ولی نعمت بی مبتیہ صداقت، دولت و ملکیز  
 حسی خدمتہ عفت و استقامت یواندہ یخیری اندرک اہل اہل و ایشہ  
 دلالت یوقیق رب شفیق الہ بو مقصد اقصایہ رھاب و حول اولیان  
 خد و خد اولم۔  
 شو مساک راستی و استقامت انیر ماہجی حجاب و اہل العطاؤن  
 طلب و یجی ابتدایہ اوقایہ جمع الا احسان دہ بندہ بی مقدر لریہ اولیان  
 قوتی حسی ہما احسان الہ کھسہ سیرلی و کھسہ سیرلی اولیان  
 ہان اولان مستاب الاسباب اولیان خدای بخون، عمر و شوکت  
 و اخلاص حضرت ولی نعمتی اقریبون، ذات عالیہ بیستای جی حجاب  
 عظیم الشان الہ عزیز بر بار ہمیشہ خدمت مقصدہ ہاوتیہ  
 مقرون بتوریلان باقی ۰۰۰





طبیعی در .

اندیشانه، بنام علی، انتقاد و انطباق و انطباق او را  
انگیزان دانایان قیامت و معنوی کرده و انظار استقامت  
اولاد او را در قیامت، بلکه در آیدان زمانه نیز  
بویک سنجیده و در کتاب او، بوسطنین نامی  
او را در کتاب او، بنام علی، انتقاد و انطباق  
او را در کتاب او، بنام علی، انتقاد و انطباق

### مکتوبات

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.

• این کتاب در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران  
چاپ شده است.



باقی ...

۱۶ تشرین اول ۱۳۰۷

• حضرت مهدی علیه السلام در جواب سئوال حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یخلف الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در مخلوق خود جایز میگرداند، در حق او جایز نیست. و در جواب سئوال حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتغیبه الله» یعنی آنچه خداوند در حق او پنهان میگرداند، در حق او جایز نیست. و در جواب سئوال حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله» یعنی آنچه خداوند در حق او فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

### مکتوبات

۱۶ تشرین اول ۱۳۰۷

• از آنجا که حضرت امام رضا (علیه السلام) در جواب سئوال حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یخلف الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در مخلوق خود جایز میگرداند، در حق او جایز نیست. و در جواب سئوال حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتغیبه الله» یعنی آنچه خداوند در حق او پنهان میگرداند، در حق او جایز نیست. و در جواب سئوال حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله» یعنی آنچه خداوند در حق او فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

• در جواب سئوال حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «ما یجوز ان یتجاوز الله فی خلقه» یعنی آنچه خداوند در حق مخلوق خود فراتر میگرداند، در حق او جایز نیست.

بہتر سے بہتر اور زیادہ سے زیادہ خوشنویسی . سب سے زیادہ دلچسپی .  
پہلے سے پہلے کے حالات سے زیادہ دلچسپی .

۱ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۲ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۳ . اولاد ارشدین .

۴ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۵ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۶ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۷ . اولاد ارشدین .

۸ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۹ . اولاد ارشدین .

۱۰ . اولاد ارشدین .

۱۱ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۱۲ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۱۳ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۱۴ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۱۵ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

۱۶ . اولاد ارشدین : خوشنویسی سے زیادہ دلچسپی .

[۱۰] بطی

• هر کسی که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

او غلام

[وقایع ربّی در ذی قعدة]

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

[وما اوتینا من العلم الا قلیلاً]

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است

• هر کس که از امتیاز اولیاء برخوردار است



۳۰۵۰ سال اول ۷ اظنه

بر آنروزین [آمین] دهام .

اقدام حضرت عالی بر سر باطنیه دائم و برقرار بپوشیدن و بپوشیدن

جان جانان خدیجه و اولادش را بپوشیدن و بپوشیدن

سایه لطفانه برورشانی بپوشیدن و بپوشیدن

زیرا بویاه برود مسعود و بر او شادمانه و بر او شادمانه

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

بپوشیدن و بپوشیدن

... . . . . .  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 اوقات تنهاتیه شده جنال فی مثال عالی و بنده مستعدتیه  
 احوال جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد

... . . . . .  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد

... . . . . .  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد  
 احواله جنجلی آسان قطع و سرور و عظم آیه صریح ایزد

مکتوب

۱ : اما در وقت نوشتن کتاب، او بود که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.

### مکتوب

۱۰۰ شماره

• قتلور  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.

• و شکرانه اخبار المزم  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.  
 از آن جهت که در حق او نوشته شد، و از همه او جدا شد.

مکتوب



اولاد بینه ، از خانه جناب سر و تا نزل به عقد آید تا این رواج است ، حال  
 بنده کن ایسه اگر چه او بنده حاضر حال در کسده میر و اصل حال  
 . خیر ب الاطواری حقیقه سوء ظن آید که در کماله کوره بر بقصد در  
 خیر ب لسان و اهدان اولسون - جنر واحد قاعده بر حقیقه -

و مال عاجزانه خلوکه آید در .  
 مایه خاطر دن او ناشی گدی ریش ؛ آبی است کسی گدی صورت حال  
 خدایه مایه و مضطرب آید بشدی . جناب حقیقه شکل و ساش ایله کوه  
 مبارک آید به خاطر دولت بی زبانه را با این جنر کذب بنده کنه دی ده

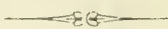
### مکتوب

مکتوب در اقدام .  
 . تشریح نالی ۳۰۴ دیار کمر  
 علامه ناصر و ظاهر سنه بند در ؛ چونکه «الاسمال عن الی» قضیه می  
 . من الای حمال بق الله الت و من استخیر الله حسن حال کت  
 . و شرف اوله حق اولاد بشدی بر بدی ؛ حقیقت ؛ خایه بنی و کدی بند در  
 و منزلته خایه خمدن امین اولی . سرب که می عتاید چه مدان کفر  
 بدی حیرت کن حقیقه کوه حقیقی حسن نالی آید سرب اعلا قدی  
 . واد اولسون ؛ خیل بر قاعده حقد . واد اولسون ؛  
 طایر بشدی بر کده اولسه اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
 الله ؛ معلوم اختیار ، سرب که می «خارقه ادب» اطلاعیه سرب اوله اوله اوله  
 بر حسن اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله

برای که چشم بگریز رخ آید خنده ملامت . بود هر بار محرابی اول ماه زانسه ، ناری  
 ایستاده ایستاده قولا قدی عاشقی اولایع و جناتو نایب افسری ایله  
 موسی ، مساعدا اولدی؛ حیت فصل وصال وصالی تا موصلان بری  
 قدر مستقیمه مستان اولدم .

مختصی اولایع حاله اجزا و مظلومانه سزکه کور چشمی ، قوبوشیم  
 ۳۹۹ سمرین اول ۳۰۷ تاریخکی کی منامه کنری ، مشتاقه بر حسی ایله  
 منامه اولایع ناری بویه اولد بر مک روایتدر ؛  
 استرگه مک استیرو سکر ای سبزی سوزنلری ، عذبات روح بزور کوه کنری دن  
 نانا اعتنا کنری آریع اظفر لطف جنات کنری محب مشفق کنری دن

### مکتوب



۰ مظهر حسن تالاق بیوسورون» داسیه تصدیقیه نهایت برترم .  
 مازنده ، امتداد اقام فرقه ده شوقانی دنایع کجلی اولدایقندین «برخ  
 - و حیدیه مسارعت آیتشدر . بعد صوری ، قرب معنوی به حلال اوله .  
 کسب سکون و راحت ، قلم شو وادیده سخا ایله اساله مداد شکر  
 سنه ۳۰۷ تاریخکی کی منامه کی امیل بندن استیضا اولدایق مضرب قائم  
 اولایع ، بوکده دو انجوا بی اعتنا کنری شرف اندرین ۳۳ سمرین اول  
 مع هذا مضمونه مقدمه عاجزانه مک ازاد اظفان قلده مدار

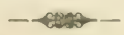
۰ ناصر المصنف تصدیق ایله دی .  
 وجوه ایله دلالت ایله کنیدن اوله برقیصه دن برقیصه مطلقا وجدان

بر مأموریت استخوانه موقی اولاد بنیدن اجزا آناطولی قضایه سنی  
کتابتین کرده اند استوار استاده سندی به قدر معینی تا مبنی آینه خاله خاله  
بنی و قالدن آلاکله بنینه کوره اقدی، مومی اله، فی، رونی

خداوند به ذیلا و لایت مشار السهاره بارشدر .  
صدار اینها ستمتدیک کند و سوسو سنی سنجی، اسبابه ساهی مذکور صورت  
عورت ایتیمی و آوران او را ده بو لیس او لاله حکم اراده خاله خاله جانب  
سستی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی  
و قویع بو لیسدر . شو لاله : معوره المر بر و لایتیک بر قطعه یوحه سینه سنی  
خاکه کتیبیل یله بر سنجی دفعه اوله و اوله قلا قلا، سنجی سنجی سنجی سنجی  
زبانه قضیه سنی اهالی سندن مومی اله عنده خاله خاله خاله خاله خاله خاله  
اقدی مومی اله، سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی

اسبابه ساهی جانب خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله  
لقبه سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی  
استدای عطفین عارت اولان سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی  
اقدی سنجی خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله خاله  
ارغی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی

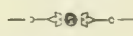
کلیتیه



سور سنجی سنجی : انالی مومی اله .  
آرا لاله ارسال سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی سنجی

امریکی نظامی مصلحتوں کے لیے، قورقورم بولسا شرفیاء کا نام  
 اتلجی خاں خوجا نے مقالہ قلمی دجی کے ساتھ ساتھ ہی  
 اتلجی دہ صریح شکرانہ فرمایا اور ان ایڈم۔  
 احسان علی الاحسان قیادت اور لائق دیگر بزرگوں کی شرفیاء کی  
 مقرر اور ان دفعہ معاہدہ نام کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 حقیقہً بہ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ

بولسا شرفیاء

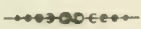


بقی  
 ۲۰۷۸ سنہ اولیٰ ترمین اولیٰ ترمین اولیٰ ترمین اولیٰ ترمین  
 سفالتی خاندان جلالیہ دلائل و عبات بیوراشی اولیٰ ترمین اولیٰ ترمین  
 حضرت بادشاہیہ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 حضور صریح؛ مصلحتی خصوصاً اس وقت بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 مامول بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 مفرطہ اولیٰ ترمین و خدمت کاتابتہ قورقورم بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 ساحت نامتہ کی نسبت صریحاً دوپوشہ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 مع ماقبہ سوہ فکر و حالہ دلائل ایڈم بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 اعانہ لہ لہ کتبہ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 جزیوت طر قورقورم بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ  
 ستر و ساحت آیتک ہو سوتہ دوپوشہ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ بولسا شرفیاء کے ساتھ ساتھ



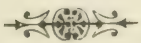
• اولاد م . باقی بنامد هر که بخواند بقای تو .  
 شکران قران او ان آیه ان اقرایش تو خجرات خجرات بروی ریشی بزبان شکران  
 بخوانم خجرات مومنه مخصوص بزبان امتیازی در . بنام عده عرض  
 خجرات مومنه و جابر ساز ، جناب حجاب حضرت ، حضرت  
 • برگی به نور به رنگ خوره ریزم مناهات اولاد .  
 بوکی بده او شاهد کجهره التفات ، آشنای قدیمی اولاد بفرز قنای زبانی  
 بزبان لسان عدنان الشان آری آیه مظهر آثار دنواری اولاد مومنه .

### مکتوب



۳۰۷ اولاد مومنه  
 قاسماری اجوی مکتوبات اولاد او بنامد . . . . .  
 اعتلای قدر و منزلت سعادت تکی از قیامدی . باقی افزایش محبت  
 روح روان و حلاوت مند خجراتی لذتبخش دانسته و بدان اولاد روحی دعای  
 هر چه خجرات خجراتی بر دل باطله بده . بوکی به روح افزای  
 حاجت بده . عاقله بیدار ، بوادر آثار معدود اولاد کنان مکتوباتی که  
 بر ماضی مسعود خجرات مسرت خجرات احتیاجی خجرات عید

### مکتوب

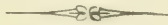


• این وظیفه ای ایامه مسارعان زبستان مکتوبات مکتوبات اولاد مومنه . باقی . . .  
 شو و سینه خجرات بده بدنه بالاستاده با کف دست بر نسبت و جوضیته ترتیب  
 امثال اولاد م . مکتوباتی روح انبیا بر روح اولاد مومنه ، مدد مومنه اولاد م

• آفرینش موقی بنور سون

ایام آفرینش و جاهات مقدسه و جاهات آفرینش و جاهات آفرینش

[\*] تذکره



۳۰۸۷ اول جون ۱۷۰۰

• • • • • در زمان او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...

• • • • • از او و زمام او ...

• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...  
• • • • • از او و زمام او ...

عن بعضه

مذکور شد که سادات اعیان مومنان حضرت علی (ع) و اولادش و غیره  
 اندکی عیال و فرزندان و فرزندان ایشان را از آن بزرگوار  
 در آن روز با خود بردند و در آن روز در آن روز در آن روز  
 بودند.

در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز

در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز

در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز

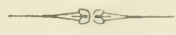
در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز

در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز  
 در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز در آن روز

از فاعله صوره خراسانی بنفوسه خراسانی بنفوسه خراسانی بنفوسه  
 رسد احتیاج او را بقرق بختی سابق و خصله قتالک صدر بندن بر مترو  
 نانو و موسیقیه حاضر بوند یعنی حاله بوگون ساعت او حجیجی راده نده  
 ایله انهداده مقنع دواک قویله بوشلای نشیك قدر عمله و بر  
 ولایتک الویه الایه سی عاقلین ، سادانین ، معتزینین جلی ذوات  
 نه ای حسن حصول اولمشدن . ارکان ولایتین ، امرای عسکریه دن ،  
 او جمع حفراتی ، لایحه سادایه عمر انواریه حضرت خلائقاه صیده تیسر  
 و بیات ایکی یوز مترو طولنده آخلاق قتالک حضرت خلیجیجی اولان  
 قویله سادانین اکلایه اشتغال اولدنی یعنی کئی یوز یوز قدر مترو صده  
 هندسه سادانین طبقه خلیجیه کلاماً حیات بولوب التوم طبقه

رسد کشادنی بوکونه بواقی ایشیدی .  
 بعضی نباتات و حیواناتی اکل اچون سر مفیدس ، حاله قتالک

[\*] نام



والله اولو قی .  
 ۲۰۶ جوز ۷ مهاده  
 . و اشوب و ورقه عاجزی به ذیلا با مضطبه بیان بوسی سرور  
 . همان خلیجک حضورنده قرعه کشیده سیده بوبت ایتمک ایتمین  
 احابت ایلر سه یوم مدگورده بزمله برابر کشیدی اوز اولدم .  
 کی آمدن بزوزانک ، رفعت عاجزانه سده بولمشدی و ایلک بوبت هر کسه  
 کشیده هر او بن بوشی برده برده کشیدک اوزره علی طریق ایلایه اعضای

شوراسی ده علاوه رجا ایدر مده: بو جمع عیالت مهملای اجنبا  
 ز جمن طولانی حکومت عالی می مدور کور مگر ری رجا ایدر مگر.  
 بو قیسه می یاز مین مقصودم، بقصان و ساط جیتاه جگرت مگر  
 شکایته جنور ایدر مگر حسب الاصلای اعتراف ایدر مگر ایدر مگر.  
 اولای قی قدر تدارک مانه و انبای وظیفه جصو صیده سری بحق  
 اجرا سنده جوق زجت جگرت مگر؛ لکن حکومت عیالت ده مگر  
 اگر چه وساط لازمه ای عدم عملی جیتاه بو مهم عملای  
 نرفکره جگرت مگر بهار ت کورست مگر.  
 هنده سندنک انباشته هم سری هم سوا و وظیفه  
 سری عن جمع القلب تیرک ایدر م.  
 موستو!

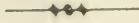
### مکتوب

۱۳ تشرین اول ۱۰۶۰  
 بعضی پیشتر اولور .  
 سندنک بوندی مع الشکر الطاق الهیه دن مامول و مستعدا بوندی مع الشکر  
 بر آیه قدر اتاجی، الطاق الهیه دن مامول و مستعدا بوندی مع الشکر  
 حال خلوس و رفقا و رفقا مرفوع بارقه اقدس الهی قیادتی و سندنک رخی  
 یاهیدن اولور لوق دعوات مفرجه حضرت شهباشی، شکر چه انبای دن  
 ستان اولور، محض کرامات سینه و موفقیات خسته حضرت خلافت  
 قدیسه طوبی جری و عین ما، الحیا کئی بر مالک خستک احتیاجه  
 تقدیر رب العالمین، امیر المؤمنین آیه بر قرآنک بویه بحر ای



توجهات قدسیت آیات فاجرانه بنگارهای فاضلی بیشتر اولاً ۹ اولاً  
توجهات قدسیت آیات فاجرانه بنگارهای فاضلی بیشتر اولاً ۹ اولاً

## مکتوب



مخصوصاً مراد تالیفی بقیه بقیه خود را.

قوشندگان دولتی تکرار بیان معجزات ایلد، حرمت و محبت  
معلوم اولاً مسئولیت مهمه که از آرسنه سزی شویله برزجه

مکتوبه ردی قابل بر جواب مسکت و برمش بولورکن.

مکتوبه اعطایه جانه من همت اولورسره که مکتوب مذکور که در  
تو قدر و اراده: برزجه اولان طالب طلب اولان ایضا حقایق، صورت

مقالی بلاغی اولان مکتوبه ترجمه و نقل ایکنی ضرر نظر ایلد.  
سزی دها زبده ابتعال ایتمی اولامی ایکنی او ساخته مکتوبه

ایشته شو استحضاطه سنب، بو مکتوبه در.

درج اندازان ساخته بر مکتوبه در.

درصدارنده طبع اولان عزیزان (ترخان حقیقت) جز سینه بولورکن  
او سنبیلدن برسیده؛ بغداددن (ظاهر) امضای مستعاره

مکتوبه در اولان مکتوبه در.

مکتوبه در اولان مکتوبه در، حسب الامانیه هم فایده مکتوبه اولورکن،  
استقامت مکتوبه در و اردو و سنبیلدن مکتوبه در، بخصوص

اعطایه دعوت ایکنی، مکتوبه در ایکنی اولان مکتوبه در، مکتوبه در  
مکتوبه در، مکتوبه در ایکنی مکتوبه در مکتوبه در مکتوبه در







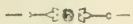






بانشاء مدينه السلامه وقوع حسن و احسان سعادت تبارك و تعالی

### مکتوب



۲۰۸۰۸ اول اکتبر

۱۶ اکتبر ۱۹۰۸

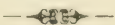
برادر عزیزم آقا محمد علی خان آیدام ، سلام و تحیات  
و احترامات عرض می‌کنم . امید است که در این روزها  
خوب و صحت و سلامتی داشته باشید . الطاف الهی و لطف  
خداوند بزرگوار را شکر می‌کنم .

آیدام .

خبرهای خوبی شنیدم ، امید است که در این روزها  
خوب و صحت و سلامتی داشته باشید . الطاف الهی و لطف  
خداوند بزرگوار را شکر می‌کنم .

خبرهای خوبی شنیدم ، امید است که در این روزها  
خوب و صحت و سلامتی داشته باشید . الطاف الهی و لطف  
خداوند بزرگوار را شکر می‌کنم .

### مکتوب



۲۰۸۰۸ اول اکتبر

۱۶ اکتبر ۱۹۰۸

برادر عزیزم آقا محمد علی خان آیدام ، سلام و تحیات  
و احترامات عرض می‌کنم . امید است که در این روزها  
خوب و صحت و سلامتی داشته باشید . الطاف الهی و لطف  
خداوند بزرگوار را شکر می‌کنم .

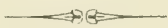
بوت کرده ذوق بالاخصی رسیدن ذائقه خانی مستقیم آید ۵ ربع

مکتوب



۳۰۸ تاریخ ۲۰ تشرین ثانیه .  
 خانها که در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا

مکتوب



۳۰۷ تاریخ اول ۱۶ تشرین ثانیه .  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا  
 در این حالهاست که خاتمه آنرا بگویند و آنرا

اولاً و آخراً ، حقی عاجزانه مرده سزاوار بتوبه و توبه حسن نظر  
کرمه ک بخت اولاد بخون شو جوانز بو کوه قدره تاجر ایشدیر .  
تاریخی صریح المناره مکتوب بلاغت اسلوب نوری کتیرن کتیرن  
بو کوهده اجزا و مطالبه سینه تیرف اولان ۱۱ ربيع الآخر سنه

## مکتوب

هو الله و الا من اوله لوله  
اولادله حاله فحالی ، اناک مقاربت وجود منار کله تیرک ایلرم . اناک  
حضر تری ، حقیقه حیرت انگیز ، کتاب نفیس فضایل و عیالاق  
حیاة متعصم فاعنه کویله مایه تیر ایشدیران سعادت اولی اقدسی  
مشدر .

توبه اولادله سنه بزم معمود اسکی تر کندن استیاده کینوریت الویر .  
قرحه قرحه او قوت مفقود ، عامه شکسته زبانده اسکی حسرت  
ایله تصدیق ماجرای محبت ایتک ایتک ایتک ایتک ؛ لکن نه خارقه شادی  
بالفایده لغت شریفه صریحه ایله خیر بر خواجه خیران اسان  
موتک برود نیدن قرحه مرده جود عارض اولامش اولی اقدسی  
توبه در نمانر اسکی افریق افریق افریق اولدیندی سز مشدر .

بر صفاوه موقوف استاده سنه هی کسی عقل و ادراکی قدر عقل بر  
توبه کوشش ، واکر چه اشارات جنتیه و دلالات لطیفه سنه موقوف ، توبه  
اولادله تاریخی لطیفه مرآت علامه ای ، ادبای آید مانند اولاد

• او نه دك صدى اجصاص اخلاص اجصاصه مسارعت ايلام باقم .  
اعتلاى قدر و منزلت دوتللى تر ديف قياته رق و مناروك كوزل كوزل دن  
مواقف خدات حسنه ابراز يته موقف سوسون» دعوات خيره سينه دعای  
هان «ريز» خلامرې رضای عالی ها يون حضرت ولى العت بی مته  
اوله سياه جى اوله سياه شو بو لاسياه بو لاسياه شو بو لاسياه جى اوله اوله  
مسالدين ايسده مسافه جه مقاربت ، نوبه تعالى حصول مقالته مقدمه  
اولشده . بعد صورتيك قرب معنوى به دخل و تاثيرى اوله سياه جى  
وريل يلى حوى دنگ بر قطره كي منامه دوتللى، پيرايه دست اختيار  
- يحويل ماوريت مناسيتيه اولده اينديك و تاقيات خالصتير  
• اوله سياه جى اوله سياه جى اوله سياه جى اوله سياه جى اوله سياه جى  
هميشه يز بو زباشي قتيوتو على افندي بندى لوله واسطه سياهده بر قطره

## مکتوب

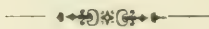
• دوام قضى انصافى امتياز اوليله اوليله اوليله  
سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز اوله سز  
بى عدللىرى بر قالد ها بر قالد ها بر قالد ها بر قالد ها بر قالد ها  
[ماتيس] حقیقه غایبه انفس بر شیدر . تناول ایتدخه تاد خیل  
ماردینه مخصوص اولدیلدنه احسان وارسل بو ریلان  
در خده اولوب شو قضى سارنيك دوامى استعا ایلد .  
خاصتير و ریلدى ، بنده كرى ادای حق آشكازدن حقیقه عاجز بر قاده حق





۲۳ ترمین ۱۳۰۷ وارد و اولاً بخیرات بخیران و اولاً و کلاً و هاله  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله  
 و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .

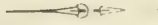
### کتیون



۱۶ ترمین اول ۱۳۰۷ .  
 کتیون . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .  
 جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .

جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله . جناب حقیق ذات مؤتمن و هاله .

مکتوبات



اولاً، در مکتوبات، به سبب اهمیت و اعتبار آن، به عنوان یک منبع معتبر در زمینه تاریخ و ادب، مورد توجه قرار گرفته است. این مکتوبات، به سبب اهمیت و اعتبار آن، به عنوان یک منبع معتبر در زمینه تاریخ و ادب، مورد توجه قرار گرفته است. این مکتوبات، به سبب اهمیت و اعتبار آن، به عنوان یک منبع معتبر در زمینه تاریخ و ادب، مورد توجه قرار گرفته است.

مکتوبات



اولاً، در مکتوبات، به سبب اهمیت و اعتبار آن، به عنوان یک منبع معتبر در زمینه تاریخ و ادب، مورد توجه قرار گرفته است. این مکتوبات، به سبب اهمیت و اعتبار آن، به عنوان یک منبع معتبر در زمینه تاریخ و ادب، مورد توجه قرار گرفته است.



معارف نظارت خلدستانک، صورتی مانوف محبرات مندله سندسه  
مکتبی مستله دی و سینه قاتله مهم اولوب  
مکتب عنایت قران اولان قران اولان اولان اولان

کتابخانه



باقی ۰۰۰۰

۲۲ تیرین اول ۱۲۹۰

لله زاد الهوی فی الهمد یقی  
و یقن الیقن یسد المرقتین

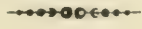
بویکله برابز مکتبیم ده حقیقه:

• دونج سیرا فرقی مکتبیمده بر طامله بر سوندسون  
• جزیه بر سراسله کیه رشانه باشی اوله سینه ایچی: ایچی  
• دیندی کچی نه مکتبیم ده ناره حسرت و اشتیاق ایله یانه اولان قانی  
• برای اودینه بیدره کیتکوی وصل حین  
• صدای آب روان قالدیردی مطباتی؟

اسکی بر ترک شامیستانک:

• حقوق برورا و محاطات جبردالندن مستله و مستقیم اولور سیرا  
• دل و خان و مدار سکون جاندر - ایله زینت کیم و قیدیم اولدی  
• بودقه دخی کتاب بقیس افضل اولدی - ک سیرا و صیاده ایچی

مکتوب



کولیه معلوم شریفه ک

۲۰ تیرین اول ۹۰

باقی مکتوب  
• بقول بقول جملری امیدله آسلیت قلبت ایلم  
• باقی مکتوب



و جودى متصور  
خستون در ربع همت و معاوت ابد خداى بر كس نه لك  
دستوى اجروى باعث خرد جزى اول او لا تنو امر جرك جزى حصوا

• صورت سخنده وعد اول نور •

خجى اوانه ججى  
مناسب رينه و انانرا له تا طيق رينه دجى ولا يخيه توسط اوله ججى  
خكرى مشايخ و علامان بونده ازان انار موقته مسارت كو ستر لرك  
كرك ما موبندين كرك بشوق واقناع الخجون بركله كو يوده  
• مقدوح اولوى طيقه •

مواقى اولور سه بده عايده باعث مدوح و موقى اولو برك دجى فالكه  
و قانقلام مساجد و مكاتب لانه انانرا له و جوا خرك اتميه  
تلقاق انا استعمال يتورلى اولونيندن من هانك مدرك  
خجى اوانه ججى  
مطوق بخر راتى خجى اوانه ججى  
مصلحت مهمه دو بخه فوق العاده بظرف وقت و اعتبار اولين اولون ججى  
دفاير مطوقه مذكو رفق باقوب كو بدرد لارى لارى كرم خكر • خويشه شو  
مدت اوزان باقوب رانون انى اخيره هممه حال حد جسامه انانرا له  
و قانقلام رانون اولون باقوب كورده خجى اوانه ججى  
و بو انانرا له بخرى موقه علام و مشاجدين مناسب اولو برك مدرك  
بنقده برر قطعه دقيرك بظرف و ارسال ججيه اهال سه سور اولو برك  
انانرا له خكر اتميه و امين قانقوبى موقه من اتميه و هم خجى اوانه ججى  
و بو كو برك امامت و مسالك و طيقه بركى اتميه خجون نه قدر عادات  
اولو برك كو برك ها انانرا له مسجده و مكاتب انانرا له  
و مكاتب و امام و معلم كو برك ها انانرا له موقه اولو بركى و موقه





للم ۱۴۰۰

تأليفه اولاد پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
رخان پيرى اولاد پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد

# تأليف

للم ۱۴۰۰  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد  
فكر و حسن دوانى اقا پور كده شاپان پيرى پائيد







اختصاصی حیوانی اجزای جسمت  
 بادشاهان اقدمین حضرت تریاک علو مکان نشان مولود لاری  
 صادقه سی حقیقه منبول و راکن بتوریلان ولی نعمت بخت شومنگ  
 و خواجه طایف و مسرتاری انواع لطیف و احسان فی ثانی، عموم نیعمه  
 هدیه فندی، بندگان مومی الهامک استغری آلامه آلامه انوارت اولادتی  
 استخفافی درکار اولان بعضی بندگان استامی متین بوضاه انبیا  
 حقیقه ما بر صدق و حقیقتی مشهور اولادن انبی مکافات ستمتیه  
 حکومت متعلق ایشان داده حسن خدمتاری، دولت و عاقلت

مسئله



۱۳۱۰ اول رجب ۲۵

. حاله امه و فرمان حضرت ولی الامم اکرم  
 اجزای جزیل دنیویستند تا اتمیه حقیقه کمالی اولابی اولوم . بیله  
 مشول نظر کالات از حضرت علی الهی بتوریلان شومنگ جزایه مک  
 بتوریلان بر سنجی و ساطت خدایه دین بتوریلان به نالری  
 . سنجی خدایه نالری ساطت حضرت خدایه نالری فندی .  
 نالری در دست طبع بولیبی اولابی ساطت خدایه نالری  
 ساطت معارف ساطت حضرت خدایه نالری ساطت خدایه نالری  
 فانیان سوریه بوسف عایه السلام بزنجی ، انجلی جزایه نالری  
 اولابی جزایه اولابی ساطت خدایه نالری ساطت خدایه نالری





دجی آمایق نظر کلاک اثرات شریک او ایله کلدتورن ا  
 حجاب قیض و قیوح حضرت سنج امتداد نازدیکه رسالته روح  
 نایه کی امیلی بنده کبری و یوله وایه و حیرت آخنده برافشدر ا  
 هاکنسته شکر ادر اوله اوجی معتبده آخنده ایشته او دایم میخونه  
 دینکده می؛ اطلاح شو بی متداری ادر اطاق علیه کون اول اول باول  
 بوقسه [سیر قرآن] ی قیراضی ایله اقای حیرت سنج ایلانی بتورن  
 قات طیه کونیه جمع علیه افاضه روح نایه سید درونیه می

مکتوب

اگرچه کده عنده عمر کی مدینه اولسون او عالم ا  
 یقین ایله برار سلام مخصوصه سنک نیایمی می خودر .  
 رجته کبری کل قیدردن ادرن کلور . قان بدردن بوردن بورا  
 یازمق کی بر غیرت مولات برورنده بولمق بوجی حجاب بوجیه  
 اولان بوجیه مشاعل عظیم اده بنده بویه می مکتوب کونیه جواب  
 حیرت و خودی هر بره و بادردر . ایشته حیرت و معلومک  
 حیرت و حیرت اولون اولون طبعیه سنک کی حاسن شانس ، احباب  
 رعایت کونیه و دوسه اتقده نیات کی ایشته کونیه کوردر حیرت  
 اولان ایکی قصه مکتوبی آلوب لایله مطالعه ایلیم . حیرت اولان  
 حیرت قان بدردن و صا سنک حیرت بویه می حیرت کونیه مشمر

مکتوب



«... [سر] قرآن که در دست طبع و انتشار اولان جزیره آهسته آهسته

ناتوانی ده، اجتناباً با وجود [آراء] که در آنجا عموماً قریباً تقدیم آیه است

شرف آید.

خانها، محاسبات ادبانه، بیان مشتاقی، و خندان و جوان ایست

حسرت، آرزوی دلخواه، معاقبه، خیال بی مثال، بزم السمتین بزم دیدن

ژنده منقطع و باقی در.

### مکتوب

رتبه سینه جدید در زبان طولانی اولان حاصل اولان

مسرت، شکندگی و طبیعتی در حالت اولان، اینها را به آسانی

یا لکن تصدیق مؤیدی اولان، تیرک و بیتمه کلمه بنده کنه او

وظیفه محبتی ایها اکنون که رونق و شجاعتی بودند بوق زیاد رنگ

بر زمان مسووک حلوته برقی و انتظار آید که در کمال جهت او آهسته

سینه یک حصوله، و وقت منتظر حلوته مقدمه شیخه اخیر اولان

بوی بوی و حقیقتی در این اجتناب روبرو جدید فقط فقیه و حقیقت

حقیقتی اکنون مریض مراسم اجلاس به الاستیله ایجاز آیه بلاستیار

اشنو و رفیقه ناخبری برقی و تقدیم اختیار اولان.

باقی بویله بر طرز اولان، مقاله اداره اداره آیه مقاله مباحث اولان

اخوات و کجینک دوام و از مدیدان بشقه اصل و آرزوی عاجزانهم

۲۰ بسم اول ۹۵

اولامغه اولانده





مقدمه بر سنگی بزندان اولادم.

مظهر تقدیر اولاد یعنی شو مکتوب مرغوب در کتابی پیشین است که  
اجتلاص وقت ابدان بر عهد خراج سعی، نزد اقدار نظر ان اولی الاصله  
او حقو زماندن آهتر و صورتی خدمت مقدسه حضرت قرآن  
جانب حق، راحت ابدان انجون آینه انسان و احسان بیور در یعنی

آله مستدره

در عهد عصر است، بزم الاستدین بری سلاله الصبیانی انس و شهود  
عصر حقی، هنوز مشاهده حال خلیل بنی مثلله مایه اولاد مایش  
فجانه ایشان است، مایه انکه اولاد اولی.

روح الشانی زو حقی دل و جان اولاد نامه بلاغت نشان

### مکتوب



... و اعتقاد بیور لسی رخا ایدرم، باقی امنیت

هر حاله صدق و اجلاص عاجز نامه انک الا انک ایدر او ایدر  
ایسه آله مستدره است یعنی البته بنده کرده عابد دکلدر.

اما بعضی عواقب سینه صریحه حاتم و وصول اولاد مایش  
اولاد کتبی در.

ساحه قرطاس سینه دو کو لردک صریح ماخر ای دل زاره تر جان  
بور سرور، مداد مشکین فایه اقبال آله در حال میزان جمله دن  
هر شی سرور بودم، کو لردک اولاد خله کو لردک، کو لردک اولاد طو لاری و او





الملك في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق

(لملكه مس ١٧١٠ واوله واوله واوله)

١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق

١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق

١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق  
في سنة ١١٢٠ هـ الموافق ١٧٠٧ م في مدينة دمشق

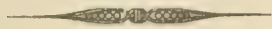




الاستحسان وانزل

انقي عنده متحراً اعني من باقل ولو آه حسان لا يستحسبه احسن  
وان هذا وخلاف المران فوحي القرائن او حجة حسان وان  
والصالح والاملاء والبرية الكريمة النيرة آية الاستحسان  
السبح النبيل النبوة ابو الهادي واحد على ورثة الائمة وارث الائمة الكرام  
الذي راي منه على الله ان هو الا سيد السادات القضاة حجة الفاضل  
الخال رفيع الكمال الذي ومع كرمه قله الشريف سموه الامم التي فوحي  
كلامه يستحق في هذه النسخة النبوية الفريدة على استبط ومساكنه . يذبح  
اعني من مداد افلامه بذلك البركة المستحب من كل الامم ان يحسن  
موفق الامور وعدد من كان مداد افلامه مسكياً من جوان عتوان الحور  
الاصلاء وعين اعينك منذ اقتضت لازلت عورت الائمة لا يفتق  
وانت يا زورا منذ خالقت لازلت زورا واذيب عكس تأليف قلوب تبي  
بمدادها ما خرج اول الحق ولا تخفى يقيم كذب لا تخفى اول الائمة الزورا

### بحر بيان



سنة ١٣٥٧

الموتية والسلام عليكم اهل البيت حين ر في اليوم السابع من رمضان  
الاج الكريمة خلاصة الامارة القادرية الخيرية وخصي رطب اللوحية  
قد رهم بالفي والله . واقدم واوفي واجبات التوبة والتسليم الى ذلك  
التي في بر وجهه وطاعت الذمور في السياء وطول الله هم هم ورفق  
افئنا الله . حنيفة الله مع اجته والله من صرف الدهور . فان الله

. . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .

. . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .

. . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .  
 . . . . .

اللهم اني استأجر من فضلك من فضلك  
 اللهم اني استأجر من فضلك من فضلك  
 اللهم اني استأجر من فضلك من فضلك

### تحيات



. استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك

. استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك

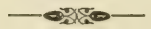
. استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك  
 . استأجر من فضلك من فضلك





في سنة ١٢٠٠ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٠ هـ  
 في سنة ١٢٠١ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠١ هـ  
 في سنة ١٢٠٢ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٢ هـ

### تاريخ



١٢٠٣ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٣ هـ  
 ١٢٠٤ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٤ هـ  
 ١٢٠٥ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥ هـ  
 ١٢٠٦ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٦ هـ  
 ١٢٠٧ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٧ هـ  
 ١٢٠٨ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٨ هـ  
 ١٢٠٩ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٩ هـ  
 ١٢١٠ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٠ هـ  
 ١٢١١ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١١ هـ  
 ١٢١٢ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٢ هـ  
 ١٢١٣ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٣ هـ  
 ١٢١٤ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٤ هـ  
 ١٢١٥ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٥ هـ  
 ١٢١٦ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٦ هـ  
 ١٢١٧ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٧ هـ  
 ١٢١٨ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٨ هـ  
 ١٢١٩ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢١٩ هـ  
 ١٢٢٠ هـ في يوم الاثنين ١١ من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٢٠ هـ



















